



عملکرد ۲۰ ساله رژیم ایران از زمان برنامه عمل پکن و پاسخگویی در قبال جامعه بین المللی

رساله کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت به مناسبت اجلاس جهانی رهبران در نیویورک، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵

سپتامبر ۲۰۱۵



عملکرد ۲۰ ساله رژیم ایران از زمان برنامه عمل یکن و پاسخگویی در قبال جامعه بین المللی رساله کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت به مناسبت اجلاس جهانی رهبران در نیویورک، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۵

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران - سپتامبر ۲۰۱۵
حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می باشد.
چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است.

عملکرد ۲۰ساله رژیم ایران از زمان برنامه عمل پکن و پاسخگویی در قبال جامعه بین المللی

تهیه شده توسط کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، سپتامبر ۲۰۱۵

۱. مقدمه:

پانزده سال بعد از آغاز هزاره جدید و ۲۰ سال بعد از برنامه عمل تاریخی پکن، ملل متحد به درستی برای اتخاذ یک برنامه توسعه جدید خیز برداشته تا برابری جنسیتی، حقوق زنان و قدرتمندسازی زنان را در مرکز دستور کار توسعه بعد از سال ۲۰۱۵ قرار بدهد. هدف بدست آوردن تعهد کامل کشورهای عضو ملل متحد و سایر شرکا است تا تعهدات جدید برای عمل و تخصیص مالی جهت شتاب دادن به اجرای برنامه عمل پکن بدهند و برابری جنسیتی حداکثر تا سال ۲۰۳۰ محقق گردد.

در حالی که ملل متحد برای رفع نابرابری جنسیتی و تبعیض علیه زنان در راستای (برنامه) سیاره ۵۰-۵۰ تا سال ۲۰۳۰ (متعلق به) نهاد زنان ملل متحد برنامه ریزی میکند، خشونت، تبعیض، نابرابری در قوانین ایران و ارگانهای اعمال قانون آن نهادینه شده است. لبه تیز نقض حقوق بشر در ایران معطوف به زنان است و آنها طی ۳۷ سال گذشته به اتباع درجه دوم تبدیل شده اند، محروم از اساسی ترین حقوق خود و در حالی که از عواقب ترویج خشونت علیه زنان توسط نهادهای مختلف دولت رنج می برند.

نه تنها رژیم ایران کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (سیدا) را امضا نکرده است بلکه آنها را مغایر با دیدگاه خود درباره زنان و تضعیف کننده ارکان خانواده می بیند.

بنابراین، ملل متحد و نهاد زنان ملل متحد نباید اجازه بدهند رژیم زن ستیز ملایان در ایران از نهاد ملل متحد و اهداف عالی آن به نفع خود^۱ و علیه منافع مردم ایران و بیش از همه علیه زنان شجاع ایران سوء استفاده کند.

۲. سابقه امر:

همه میدانند که رژیم ایران یکی از سرکوبگرترین دولتهای جهان است و تنها از طریق سرکوب عریان کنترل خود را بر قدرت حفظ کرده است. قیام شش ماهه مردم ایران در سال ۲۰۰۹ آرزوی ملت برای یک جامعه آزاد، مدرن و دموکراتیک بر خلاف دیدگاه بنیادگرایانه ملایان و اهداف توسعه طلبانه آنها را به جهان نشان داد.

مشارکت شجاعانه زنان در صف مقدم آن خیزش، بینه ای بود از اینکه زنان ایران چقدر خواهان سرنگونی تام و تمام سیستم حاکم و یک تغییر رژیم واقعی هستند.

رژیم ملایان از بدو شکل گیری در سال ۱۹۷۹، قدرت خود را از طریق سرکوب زنان تحکیم کرد. یکی از اولین اقدامات خمینی تحمیل قوانین پوشش یا حجاب اجباری بود که زنان را از آزادی برای انتخاب لباس خودشان محروم کرد.

^۱ www.jamejamonline.ir - ۱۱ آوریل ۲۰۱۵ (۲۲ فروردین ۱۳۹۴): ایران، عضو نهاد زنان سازمان ملل شد - عضویت ایران در نهاد زنان ملل متحد که وظایفی همسو و بعضاً فراتر از کمیسیون مقام زن دارد، فرصت جدیدی را برای تبیین جایگاه و شاخصه های الگوی بانوان مسلمان ایران در عرصه جهانی فراهم می کند.

علاوه بر حذف زنان قاضی، رژیم تمامی زنان کارمند دفاتر، ادارات و وزارتخانه های دولتی را مجبور کرد که از قوانین جدید پوشش پیروی کنند وگرنه از شغل خود اخراج می شدند. به مغازه ها، رستورانها و حتی تاکسی ها دستور داده شد که به زنانی که چادر نداشتند خدمات ارائه نکنند.

رژیم ایران تنها دولتی در جهان است که دهها هزار زن و دختر آزادیخواه را در کمتر از ۴ دهه شکنجه و اعدام کرده است از جمله اعدام و شکنجه بیسابقه زنان باردار.

تک کلمه «شکنجه» حاوی معنای طیفی از مجازاتهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز می شود از ضرب و شتم تا سوزاندن، سرخ کردن با روغن، مثله کردن و شلیک به درون رحم، تا انواع اشکال تعرض جنسی تا حبس انفرادی در قفس و قبر^۲ تا شکنجه های وحشیانه فیزیکی و روانی که دهها زندانی زن را به «گیاه» تبدیل کرد.

تا به امروز، تهران هنوز کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را امضا نکرده و نه تنها در زمینه نگرانیهای جدی لیست شده در برنامه عمل پکن هیچ گامی برنداشته است، بلکه هر سال قوانین بیشتری تصویب می شوند که خشونت بازهم بیشتر علیه زنان و محدودیت و حذف حقوق آنها را نهادینه می کند و آنها را از مشارکت اقتصادی و استفاده های اجتماعی و رشته های تحصیلی حذف می کند.

اعدام یک دکوراتور داخلی جوان که از خودش در مقابل تجاوز مأموران دولتی دفاع کرده بود،^۳ موج حملات اسیدپاشی به زنان در پوش نهمی از «منکر» بدحجابی، و کارزارهای متعدد برای تحمیل حجاب اجباری بر زنان بر خلاف میل آنها تنها چند نمونه گویا و اخیر از رویکرد رژیم ایران به حقوق زنان و مسئله برابری جنسیتی است.

۳. گزارشهای ملل متحد درباره حقوق زنان در ایران:

گزارشگران و نمایندگان ویژه ملل متحد در مناسبت های متعدد درباره نقض گسترده، نهادینه شده و وحشتناک حقوق زنان در ایران گزارش کرده اند. در این رساله، ما همه گزارشها را لیست نکرده ایم بلکه چند نمونه را از مقاطع مختلف دستچین کرده ایم تا معلوم شود رفتار زن ستیزانه رژیم ایران طی سالیان بر یک منوال ادامه داشته است.

گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان، یاکین ارتورک، در گزارش سال ۲۰۰۵ خود به خاطر تبعیض نهادینه شده در قوانین ایران از رژیم ایران انتقاد کرد.

خانم ارتورک گزارش داد که قوانین رژیم ایران «در مقابل خشونت خانگی از قربانیان حفاظت نمی کند و گریز از خشونت از طریق طلاق را دشوار می نماید» و افزود که زنانی که از این موضوع رنج می برند و می خواهند طلاق بگیرند تنها می توانند در صورتی چنین درخواستی بکنند که بتوانند ثابت کنند همسرشان یا دچار ناتوانی است یا معتاد است و نمی تواند خانواده را تأمین کند و یا به مدت بیش از عماه از خانه دور بوده است، امری که توسط گزارشگران ملل متحد در سالهای بعد نیز مورد تأیید قرار گرفت.^۴

^۲ چشم در چشم هیولا، به قلم هنگامه حاج حسن

www.amazon.co.uk/Face-face-With-Beast-Iranian/dp/B00IGGL9JG

^۳ گزارش گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد ایران، آقای احمد شهید، مارس ۲۰۱۵: «روز ۱۲۵ اکتبر ۲۰۱۴ مقامات خانم ریحانه جباری را، علیرغم فراخوانهای متعدد از سوی سازمانهای مدافع حقوق بشر شامل مکانیزمهای حقوق بشری ملل متحد برای توقف اعدام وی، اعدام کردند. خانم جباری محکوم به قتل یک مرد شد که ادعا میکرد تلاش کرده بود قبل از این حادثه به وی تجاوز کند.»

^۴ گزارش گزارشگر ویژه ملل متحد درباره ایران، آقای احمد شهید، اوت ۲۰۱۴

ارتورک همچنین گفت برای زنانی که از تجاوز شکایت کنند این تهدید وجود دارد که به زنا متهم شوند. ۹ سال بعد در مارس ۲۰۱۳، گزارشگر ویژه ملل متحد احمد شهید همچنین گزارش داد که قوانین ایران در رابطه با زنانی که از تجاوز گزارش کنند این امکان را فراهم می کند که در صورتی که قادر نباشند قاضی را نسبت به اتهام خود متقاعد کنند، خودشان به اتهام زنا مورد پیگرد قرار بگیرند. آقای شهید با استناد به وکلای ایرانی همچنین خاطرنشان کرد که اثبات پرونده های تجاوز بسیار دشوار است و زنانی که مایل به گزارش این جرم باشند ریسک پیگرد به خاطر یک جرم با مجازات مرگ را به جان میخرند، در نتیجه قربانیان زن از پا پیش گذاشتن منصرف می شوند.

یاکین ارتورک گفت «انواع مختلف خشونت علیه زنان توسط یک عامل مشترک مورد تاکید قرار میگیرند و آن وجود قوانین تبعیض آمیز و سوءعملکرد در اجرای عدالت است.» وی افزود: «چنین وضعیتی فضایی ایجاد می کند که مجرمین از مجازات بگریزند.» او خواستار «تصحیح» قوانین تبعیض آمیز، رفرم قضایی و الغای مجازات مرگ شد.

در نوامبر ۲۰۰۸، گزارشگران ویژه مارگارت سکاگیا (در رابطه با وضعیت مدافعان حقوق بشر) و یاکین ارتورک (خشونت علیه زنان، عوامل و عواقب آن) در رابطه با استمرار سرکوب مدافعان حقوق زنان در ایران ابراز نگرانی عمیق کردند.

این دو کارشناس حقوق بشر ملل متحد هشدار دادند که «طی دو سال گذشته، مدافعان حقوق زنان با وضعیت هرچه دشوارتر و آزار و اذیت در جریان فعالیت های غیرخشونت آمیز خود در دفاع از حقوق زنان (در ایران) مواجه بوده اند.»^۵ آنها گفتند در حالی که مدافعان حقوق و تظاهرکنندگان مسالمت آمیز قصد داشتند «در کادر سیستم و مقررات موجود» عمل کنند با «سرکوب شدید از سوی مقامات» مواجه شدند.

گزارشگر ویژه ملل متحد در باره ایران، آقای احمد شهید در گزارش مارس ۲۰۱۴ خود نوشت که «طبق قانون صلاحیتهای انتصاب قضات سال ۱۹۸۲، زنان مسلمان شیعه می توانند به عنوان مشاور قاضی منصوب شوند اما نمی توانند ریاست دادگاه را به عهده داشته باشند.»

گزارشگر ویژه همچنین با استناد به شاهدان گزارش کرد که قضات وکلای زن را از طریق بی توجهی به اعتراضات و درخواستهای آنها تحقیر می کنند و یا در مواردی به آنها تذکر می دهند که پوشش سرشان را درست کنند و یا از گارد امنیتی دادگاه می خواهند که این کار را انجام بدهند.

آقای شهید گفت که حداقل ۲۸ زن در سال ۲۰۱۳ در ملاء عام حلق آویز شدند. وی در گزارش مارس ۲۰۱۵ خود نیز اعداد حداقل ۱۵ زن در سال ۲۰۱۴ را به ثبت رسانده است.^۶

در اوت ۲۰۱۴، آقای شهید از «تبعیض مرکب علیه زنان از طریق از بین بردن هرچه بیشتر حفاظت از آنها در قبال ازدواج اجباری و حقوق تحصیل، اشتغال و دستمزد برابر» سخن گفت. او گزارش داد «طبق گزارشات حدود ۶۶ درصد زنان ایرانی خشونت خانگی را تجربه می کنند. کادر قوانین برای مبارزه با چنین خشونتی همچنان ناکافی است.»

او همچنین نوشت «قوانین همچنان به روا داشتن روابط جنسی بدون رضایت در ازدواج ادامه میدهند. خانه های امن به تعداد کافی برای زنانی که نیاز به سرپناه دارند وجود ندارد. اگر زنی بخواهد وضعیت ستم بار خود را ترک کند باید اول ثابت کند که ریسک قابل توجهی برای زیان

^۵ بعداً در این گزارش، در بخشی که فاکنها و ارقام لیست می شود، می توانیم ببینیم که همین وضعیت و بدتر از آن در رابطه با فعالین حقوق مدنی و هنرمندان تا همین امروز ادامه داشته است.

^۶ کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت اعدام ۵۷ زن طی دو سال ریاست جمهوری روحانی را ثبت کرده است.

مراجعه شود به کتاب زنان ایرانی در دوران روحانی (اوت ۲۰۱۳ تا اوت ۲۰۱۵)، سپتامبر ۲۰۱۵.

جسمی و یا تهدید جانی و امنیتی برای او وجود داشته تا بتواند جدای از همسرش زندگی کند. همچنین طبق قوانین مدنی، زنانی که بخواهند به دلیل خشونت خانگی طلاق بگیرند باید اول اثبات کنند که چنین ستمی غیرقابل تحمل می باشد (عسر و حرج).»

احمد شهید نوشت «سن قانونی ازدواج برای دختران در کشور ۱۳ سال است اما دخترانی به سن ۹ سال هم میتوانند با اجازه دادگاه ازدواج کنند.»^۷

آقای شهید در گزارش اوت ۲۰۱۴ خود نوشت: «در سال ۲۰۱۳، یک تلاش قانونگذاری برای غیرقانونی اعلام کردن ازدواج سرپرست با دخترخوانده خود توسط شورا (مجلس-م) باطل شد. متن متمم قانون مربوطه اکنون عملاً مشروعیت چنین ازدواجی را به رسمیت می شناسد مشروط به اینکه یک دادگاه ذیصلاح تشخیص بدهد که این به صلاح بچه می باشد.»

او درباره ازدواج زودهنگام و یا اجباری دختران خردسال افزود: «حداقل ۴۸۵۸۰ دختر بین سنین ۱۰ و ۱۴ سال در سال ۲۰۱۱ ازدواج کرده اند که ۴۸۵۶۷ تن از آنها براساس گزارشات تا قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی صاحب حداقل یک بچه شدند. حدود ۴۰۶۳۵ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال هم در فاصله مارس ۲۰۱۲ تا مارس ۲۰۱۳ ثبت شده است که از این تعداد بیش از ۸۰۰۰ مورد، ازدواج با مردانی حداقل ۱۰ سال بزرگتر بوده است. علاوه بر این، حداقل ۱۵۳۷ ازدواج دختر زیر ۱۰ سال در سال ۲۰۱۲ ثبت شده که نسبت به ۷۱۶ مورد ثبت شده بین مارس ۲۰۱۰ تا مارس ۲۰۱۱، افزایش قابل توجهی نشان میدهد.»^۸

گزارشگر ویژه ملل متحد از رژیم ایران خواست تا به منظور رسیدگی به تعداد فزاینده ازدواجهای زودهنگام و اجباری، از طریق «ممنوع کردن ازدواج کودکان و افزایش حداقل سن ازدواج به ۱۸ سال» گامهای فوری بردارد.

آقای شهید درباره حق تحصیل زنان نوشت: «درصد دانشجویان زن که وارد دانشگاه میشوند از ۶۲ درصد در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ به فقط ۴۸٫۲ درصد در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کاهش داشته است. این به دنبال اعمال سیاست سهمیه بندی جنسیتی در سال ۲۰۱۲ رخ داده است. این سیاستها همچنین منجر به ورود تعداد بیشتر مردان نسبت به زنان در برخی رشته های تحصیلی در فاصله سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ شده است.»^۹

در مورد حق اشتغال، «مشارکت جنسیتی و تفاوتهای درآمدها»، آقای شهید تاکید کرد «هیچ پیشرفتی در سطح مشارکت زنان در نیروی کار مشاهده نشده است. جمهوری اسلامی ایران به داشتن یکی از پایین ترین نرخ های نمایندگی زنان در بازار کار در سطح جهان ادامه میدهد و زنان تنها ۱۶ درصد نیروی کار را تشکیل میدهند.»^{۱۰}

آقای شهید در بخش دیگری گزارش داد: «مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران گزارش داد که نرخ اشتغال ملی برای زنان در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ معادل ۲۰٫۸ درصد بسیار بالاتر از مردان در همان طیف سنی (۸٫۵ درصد) بوده است و افزایش بیکاری زنان طی چهار سال گذشته این شکاف

^۷سایت تی نیوز، ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۵ (۲۰ شهریور ۱۳۹۴): در یکی دو سال اخیر و باتوجه به آماری که به دستمان رسیده شاهد ازدواج دختران کمتر از ده سال نیز بوده ایم. مولودری همچنین بیشتر این ازدواجها را در استانهای مرزی و به دلیل فقر دانسته است. بنابر قانون، سن ازدواج دختران و پسران در ایران ۱۳ و ۱۵ سال است. اما چنانچه پدری بنا بر تشخیص یا مصلحت بخواهد فرزند دخترش را به ازدواج مردی دربیورد، قانون این اجازه را به او می دهد...

و دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله ای که در کل سال ۱۳۹۱ ازدواج کرده اند ۲۹ هزار و ۸۲۷ نفر بوده است. همچنین در ۹ ماهه اول سال ۹۲ ازدواج ۳۱ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال در ایران ثبت شده است. این در حالی است که ایران کنوانسیون بین المللی حقوق کودک را امضا کرده و در آن تمامی افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شوند. در این کنوانسیون ازدواج کودکان ممنوع است. بسیاری از ازدواجهای در سن کم ثبت نمی شوند.

^۸ کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت، زنان ایرانی در دوران روحانی (اوت ۲۰۱۳ تا اوت ۲۰۱۵)، سپتامبر ۲۰۱۵.

^۹ خبرگزاری رسمی ایرنا - ۲ اوت ۲۰۱۵ (۱۱ مرداد ۱۳۹۴): «معاون امور زنان رییس جمهور در خصوص حوزه آموزش زنان گفت: زنان در زمان حاضر حدود ۶۰ درصد جمعیت دانشجویان کشور را تشکیل می دهند این در حالی است که نقش آنان در اقتصاد، بسیار کمتر از این میزان است.»

^{۱۰} بنا به گزارش مجمع جهانی اقتصاد، مشارکت اقتصادی زنان ایران از رتبه ۱۲۳ در سال ۲۰۰۷ به رتبه ۱۳۹ در سال ۲۰۱۴ تنزل یافته است.

را ۹۷ درصد افزایش داده است. شکاف بیکاری بین مردان و زنان در رابطه با افرادی که سطح تحصیلی بالاتری دارند به شدت بیشتر است و احتمال بیکاری زنانی که مدارک بالاتر از دیپلم دارند به میزان سه برابر مردان همتای آنان می باشد.^{۱۱}

آقای شهید همچنین فاش ساخت که «نرخ مشارکت زنان در کار با حقوق پایین است. تخمین زده می شود که زنان ایرانی پایین ترین میانگین درآمد در آسیا و پاسیفیک را بدست می آورند. مردان ۴,۸ برابر بیشتر از زنان کسب می کنند و این شکاف درآمد بین مردان و زنان ایرانی را یکی از بالاترین شکافها در جهان می سازد.»^{۱۲}

با توجه به اینکه تنها سه پست معاون ریاست جمهوری و سه منصب شهری در سیستان و بلوچستان به زنان تعلق گرفته، آقای شهید تأکید کرد که در ایران «نماینده‌گی زنان در مناصب ارشد تصمیم گیری پایین باقی مانده است.» وی افزود: «هیچ وزیر زنی در دولت حضور ندارد. رویهم رفته، زنان ۱۷ درصد مشاغلی که تحت عنوان قانونگذاران، مقامات سطح بالا و مدیران طبقه بندی شده اند را اشغال کرده اند. آنها تنها ۳ درصد کرسی های پارلمان و ۹,۷ درصد از کرسی ها در شورای شهر تهران را به خود اختصاص داده اند. هیچ زنی هرگز به شورای نگهبان و یا شورای تشخیص مصلحت نظام منصوب نشده و تنها یک زن به عنوان وزیر خدمت کرده است.»^{۱۳}

آقای شهید هشدار داد که «پیشنویس طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده که در حال حاضر در مقابل مجلس قرار دارد... بیش از ۴ میلیون زن مجرد بین سنین ۱۹ تا ۵۴ سال را از شرکت در نیروی کار» حذف می کند.

«(این قانون) یک سلسله مراتب برای استخدام توسط نهادهای دولتی و خصوصی تعریف می کند و میگوید که در همه بخشهای دولتی و غیردولتی استخدام باید اول به مردانی که صاحب فرزند هستند تعلق بگیرد، بعد به مردان متاهل بدون فرزند و تنها بعد از آن، به زنان دارای فرزند داده می شود. به نظر می رسد این پیشنویس زنان غیرمتاهل را از روند انتخاب حذف می کند. این قانون همچنین در صورت وجود متقاضیان ذیصلاح متاهل، افراد مجرد را از استخدام در هیات علمی تحصیلات عالی، انستیتوهای تحقیقی و مناصب آموزشی در سطوح مختلف ممنوع می کند.»

در مورد سلامتی باروری، آقای شهید گزارش داد: «یک طرح برای افزایش باروری و جلوگیری از کاهش رشد جمعیت در حال حاضر در مقابل مجلس قرار دارد... که هرگونه عمل سقط جنین و یا عقیم سازی را ممنوع می کند... افرادی که در چنین فعالیتی شرکت کنند طبق قانون جزای اسلامی تحت پیگرد قرار میگیرند و به ۲ تا ۵ سال زندان محکوم می شوند.»

درباره «طرح حفاظت از حجاب و عفاف و تفکیک جنسیتی در محلهای کار»، آقای شهید نوشت که در تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۱۴ لایحه ای ارائه شده که «به نظر میرسد محدودیتهای بیشتری بر حق زنان برای اشتغال اعمال می کند. ماده ۵ این لایحه ساعت کار زنان را به ۷ صبح تا ۱۰ شب محدود می کند و خواستار تفکیک جنسیتی در محل کار می شود... این لایحه همچنین در صدد است برای پوشش در محل کار مقرراتی

^{۱۱} اقتصاددانان، رسانه حکومتی ایرانی، ۱۳ اوت ۲۰۱۵ (۲۲ مرداد ۱۳۹۴): بیکاری جوانان زیر ۳۰ سال کشور از مرز بحران گذشته و بسیار پیچیده شده.

آمارهای مربوط به بیکاری گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور در سال ۹۳ نشان می دهد که بیکاری مردان و زنان در این گروه سنی در برخی استانها تا ۵۰,۱ درصد نیز بالا رفته... بالاترین نرخ های بیکاری زنان مرتبط به استان های اردبیل با ۵۱,۲ درصد، اصفهان ۵۳، البرز ۵۵,۹، ایلام ۸۶,۴، چهارمحال و بختیاری ۸۰,۱ درصد، خراسان رضوی ۶۹,۵ خراسان شمالی ۵۵، خوزستان ۶۳,۵ درصد، فارس ۷۰، قزوین ۵۸,۷ درصد، کردستان ۵۵,۱، کرمانشاه ۶۱,۶ درصد، کهگیلویه و بویراحمد ۶۴,۷، گلستان ۶۹,۷، لرستان ۸۱,۷، مازندران ۶۴,۱ مرکزی ۶۲,۵ و هرمزگان ۷۳,۱ درصد است.

^{۱۲} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۴ اوت ۲۰۱۵ (۲ شهریور ۱۳۹۴): معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده گفت: «بخش غیر رسمی اشتغال زنانه شده است؛ چرا که زنان نیروی کار ارزانی هستند و به علت نیاز به کار به این نوع اشتغال تن می دهند.»

^{۱۳} سایت حکومتی میزان، ۸ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۷ شهریور ۲۰۱۵): «معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با انتقاد از مشارکت پایین زنان در مجلس شورای اسلامی گفت که حضور زنان در مجلس حدود ۳ درصد و در ساختارهای تصمیم گیری و قدرت تنها یک درصد است... چنین وضعیتی شایسته دولت نیست.»

وضع کند و مشخص می کند کارمندانی که در بخش خصوصی استانداردهای اسلامی برای پوشش مناسب را رعایت نکنند از طریق کم کردن یک سوم حقوق ماهیانه شان به مدت حداقل یک ماه و حداکثر یک سال مجازات خواهند شد.»

در بخش دیگری از گزارش مارس آمده است: «روز ۳۰ اوت ۲۰۱۴، مقامات گفتند که زنان از کار در قهوه خانه ها ممنوع هستند و زنانی که خواستار جواز کسب برای قهوه خانه هستند باید مردانی را به عنوان سوپروایزر معرفی کنند. تعدادی از برنامه های موسیقی نیز در شهرهای مختلف در سطح کشور در فاصله ماههای اوت و دسامبر ۲۰۱۴ لغو شدند به این دلیل که زنان در آن شرکت داشتند. روز ۲ سپتامبر ۲۰۱۴، روزنامه شرق گزارش داد که زنان نمیتوانستند در برنامه های موسیقی در اصفهان و ۱۳ استان مختلف در سراسر کشور شرکت کنند.»

آقای شهید خاطرنشان نمود: «نگرانیهایی که قبلاً درباره نابرابری جنسیتی در قوانین و عملکرد وجود داشت کماکان وجود دارند.» وی افزود: «تلاشهای اخیر برای وضع قوانین توسط پارلمان ایران به نظر میرسد که حقوق زنان برای برخورداری کامل و برابر از حقوقی که در سطح بین المللی به رسمیت شناخته می شوند را بیشتر محدود می کند.»

درباره قانونگزاریهایی که بر زنان تاثیر میگذارد، آقای شهید نوشت: «به دنبال حملات اسیدپاشی به زنان در اصفهان، دولت قصد خود برای کار با قضایه جدید تشدید مجازات برای چنین حملاتی را اعلام کرد. اما مقامات از اعتراضات علیه چنین حملاتی جلوگیری کردند.»

«در حملات مشابه در شهر جهرم در استان فارس، حداقل شش زن (که اکثراً دانشجوی دانشگاه بودند) به خاطر پوشش بدون عفت از پشت هدف ضربات چاقو قرار گرفتند و مجروح شدند.»

در ضمیمه شماره ۱ به گزارش مارس ۲۰۱۵ به شورای حقوق بشر ملل متحد، در بخشی تحت عنوان «مروری بر حقوق مدنی و سیاسی»، در زیر محور «حقوق زندگی» موارد زیر آمده است:

«روز ۲۵ اکتبر ۲۰۱۴، علیرغم فراخوانهای متعدد از سوی سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر برای متوقف کردن اعدام وی، از جمله سیستمهای حقوق بشر ملل متحد، مقامات خانم ریحانه جباری را اعدام کردند. خانم جباری متهم به قتل مردی بود که او مدعی بود تلاش داشت قبل از واقعه او را مورد تجاوز جنسی قرار بدهد.»

«روز ۱۸ اکتبر ۲۰۱۴، شاخه دوم دادگاه انضباطی وکلا در کانون وکلای ایران، ظاهراً تحت فشار آژانسهای اطلاعاتی، خانم نسرين ستوده را به مدت سه سال از انجام حرفه خود محروم کرد.»

«خانم مطهره بهرامی، همسر آقای دانشپور مقدم، روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹ دستگیر و به جرم هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران محکوم به ۱۵ سال زندان شد. خانم بهرامی در بند زنان زندان اوین حبس خود را می گذراند و از آرتروز پیشرفته روماتیسم رنج می برد که بنا بر گزارشات منجر به دشواری بسیار در تحرک وی شده است.»^{۱۴}

در بخش «برابری جنسیتی و حقوق زنان» گفته شده است: «روز ۱۶ اکتبر ۲۰۱۴، خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا گزارشی از حداقل چهار واقعه اسیدپاشی منتشر کرد مربوط به زنانی که در حال رانندگی در اصفهان بودند و به دلیل پاشیدن اسید توسط افراد ناشناس به شدت مجروح شده بودند. بلافاصله شایعاتی در رسانه های اجتماعی پخش شد که افراد ممکن است بر اساس پوشش خود هدف حمله قرار گرفته باشند و اینکه تعداد قربانیان بیش از چهار نفر است. روزنامه فرهیختگان درباره حمله به خانم سهیلا جورکش در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۱۴ گزارش داد. در این مقاله ذکر شده است که خانواده های قربانیان اصفهان ادعا کرده اند که قبل از پاشیدن اسید روی قربانیان، مرتکبین ادعا کردند که "ما با زنان بدحجاب مقابله می کنیم."»

^{۱۴} خانم بهرامی حدود ۷۰ سال سن دارد.

«در تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۴، آقای اسماعیلی مقدم، رئیس پلیس اعتراف کرد که طی سال گذشته ۳۸۰ حمله اسیدپاشی علیه افراد و اموال شخصی صورت گرفته است.»^{۱۵}

«روز ۲۲ اکتبر، بیش از ۲۰۰۰ تظاهرکننده در مقابل اداره دادگستری اصفهان تجمع کرده و از مقامات خواستار تحقیق حول این حملات شدند. در همان روز در تهران، دهها نفر در همبستگی با قربانیان در اصفهان تظاهرات کردند و یک تجمع در مقابل پارلمان ایران تشکیل دادند و خواستار تحقیقات درباره حملات و فراهم کردن امنیت برای زنان در جامعه شدند.»

«در روزهای بعد از تظاهرات ۲۲ اکتبر، استاندار اصفهان گفت "هرگونه تجمع در این باره غیرقانونی است" و رئیس پلیس ایران توصیه کرد که "همه معترضین یک منشاء مشترک دارند و میخواهند با تأثیرگذاری بر جامعه جو ناامنی را دامن بزنند. خوشبختانه هیچکدام از فراخوانهای آنها استقبال چندانی نشده است." او همچنین ادعا کرد که افراد و رسانه هایی که چنین تظاهراتی را ترویج کنند هدفشان "ایجاد ترور" در جامعه ایران است.»

آقای شهید در رابطه با فعالان حقوق زنان موارد زیر را لیست کرده است:

«یک زن ایرانی-انگلیسی به نام خانم غنچه قوامی همراه با ده زن دیگر که روز ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴، تلاش داشتند در جریان یک مسابقه والیبال بین تیمهای ملی ایران و ایتالیا جهت اعتراض به قوانینی که زنان را از ورود به محیطهای ورزشی ممنوع می کند وارد استادیوم آزادی بشوند، دستگیر شد.»

«خانم مهدیه گلرو، یک دانشجو و فعال حقوق زنان که قبلاً به دنبال تظاهرات سال ۲۰۰۹ به اتهام "تجمع و تباخی با قصد برهم زدن امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" ۳۰ ماه را در زندان سپری کرده بود، در روز ۲۶ اکتبر ۲۰۱۴ توسط پاسداران انقلاب دستگیر و به بند A2 زندان اوین منتقل شد. خانم گلرو مجموعاً به مدت (غلط از گزارش شهید است که تعداد ماه را ذکر نکرده است-م) ماه در بازداشت نگه داشته شد. او از اتهامات علیه خود مطلع نگردید و به او اجازه دسترسی به وکالت قانونی داده نشد. خانم گلرو روز ۲۷ ژانویه به قید وثیقه آزاد شد و انتظار می رود که در تاریخ محاکمه برگردد.»

«خانم اکرم نقابی (مادر آقای سعید ذینالی، که از روز دستگیری خود توسط نیروهای امنیتی در سال ۱۹۹۹ مفقود می باشد) در چند مناسبت به خاطر پیگیری و اعتراض کردن به ناپدید شدن پسرش دستگیر شده است. خانم نقابی به مدت ۶۳ روز بازداشت و در حبس انفرادی نگه داشته شده است.»

«خانم آتنا فرقدانی، یک هنرمند و فعال حقوق کودکان در اوت ۲۰۱۴ دستگیر شد و به مدت ۲,۵ ماه در بند A2 زندان اوین در بازداشت به سر برد. وی روز ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵ به زندان قرچک منتقل شد... اتهام زده می شود که گاردهای دادگاه انقلاب خانم فرقدانی را کتک زدند وقتی که او درخواست کرد قبل از انتقال به زندان مادرش را ببیند. بعد از آزادی او از بند ۲۱، خانم فرقدانی در یک نامه سرگشاده به دفاتر رئیس جمهور و رهبر عالی آنها را مطلع کرد که توالتهای خانمها در بند A2 زندان اوین توسط دوربین های امنیتی رصد می شوند. خانم فرقدانی تأکید کرد که او قبلاً در مورد این دوربین های امنیتی و بدرفتاری از سوی مقامات زندان شکایت کرده است اما هیچکدام مورد تحقیق قرار نگرفته اند. خانم فرقدانی روز ۹ فوریه ۲۰۱۵ در اعتراض به شرایط زندان قرچک دست به اعتصاب غذا زد. گزارش شده است که او در نتیجه اعتصاب غذا در وضعیت جسمی ضعیفی قرار دارد و احتمالاً به بیمارستان منتقل شده است. در روز ۲ مارس ۲۰۱۵ گزارش شد که مقامات ممکن است با انتقال او به زندان اوین موافقت کنند مشروط بر اینکه وی به اعتصاب غذای خود پایان دهد.»

«روز ۲ مارس ۲۰۱۵، خانم نگار حائری به قید وثیقه از زندان قرچک آزاد شد. او ظاهراً بدون هیچ اتهامی در ژوئیه ۲۰۱۴ بازداشت و حبس شده بود. خانم حائری که یک وکیل است ظاهراً در مناسبت‌های مختلف به خاطر ارتباط اعضای خانواده اش با سازمان مجاهدین خلق هدف مقامات قرار گرفته است.»

۴. فاکت‌ها و آمار:

در این بخش ما تلاش داریم از طریق ارائه فاکت‌ها و آمار، تصویری از شرایط زنان در ایران ارائه کنیم. اما باید در نظر داشت که تحت حاکمیت یک دولت سرکوبگر مثل رژیم حاکم بر ایران، بدست آوردن آمار واقعی غیرممکن است. در عین حال ارقامی که در رسانه‌های رسمی ظاهر می‌شوند باید بسیار پایین‌تر از ارقام واقعی محسوب شوند چرا که فقط به منظور کاهش فشار شرایط انفجاری در جامعه منتشر می‌شوند. با در نظر گرفتن این نکات، ما به آمار، ارقام و فاکت‌ها می‌پردازیم.

ما کمتر درباره اعدام زنان در جایی از جهان می‌شنویم اما مقاومت ایران ۵۷ مورد اعدام زنان عادی در ایران در دوران حاکمیت روحانی در فاصله اوت ۲۰۱۳ تا اوت ۲۰۱۵ به ثبت رسانده است.^{۱۶} این اعدام‌ها معمولاً بدون محاکمه‌های عادلانه و دسترسی به وکیل قانونی انجام می‌گیرند. روز ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۵، یک مادر ۴۳ ساله در زندان قزلحصار کرج به دار آویخته شد. روز ۱۰ اوت ۲۰۱۵، خانم فاطمه حدادی ۳۹ ساله که او نیز یک مادر بود در زندان گوهردشت کرج بعد از ۸ سال زندان حلق آویز شد.

حداقل ۲۰۰۰ زن با ۴۵۰ بچه در حال حاضر در زندان قرچک برای زنان در ورامین محبوس هستند.^{۱۷} سایر گزارشات از زندانی بودن ۳۰ زن در زندان مهاباد، کردستان خبر میدهد.^{۱۸}

هیچ آمار دقیقی درباره تعداد زندانیان سیاسی در ایران وجود ندارد چرا که دولت هیچ گزارش رسمی منتشر نمی‌کند و بسیاری زندانهای مخفی و خانه‌های امن وجود دارند که برای عامه مردم ناشناخته است. برخی از منابع تعداد زندانیان سیاسی زن را ۶۲ عدد ذکر کرده‌اند. اما، زندانیان سیاسی و زندانیان عقیده اولین قربانیان نقض حقوق بشر هستند.

مطهره بهرامی، ریحانه حاج ابراهیم، زینب جلالیان، صدیقه مرادی، نرگس محمدی و فاطمه رهنما تعدادی از کسانی هستند که علیرغم بیماری‌های شدید از معالجه و درمان محروم و در زندان تحت شکنجه می‌باشند.

آتنا دائمی، آتنا فرقدانی، افسانه بایزیدی، فریده شاه‌گلی، زهرا کعبی، گلرخ ابراهیمی، ناهید گرجی، مریم سادات یحوی و منیژه صادقی همچنین نام چند تن از فعالین حقوق مدنی است که به خاطر استفاده از حق آزادی بیان زندانی شده‌اند و اکثراً در زندان از بیماری رنج می‌برند. حداقل ۸ بهایی، ۵ مسیحی و ۴ عضو گروه عرفان حلقه به خاطر عقایدشان دستگیر شده‌اند.^{۱۹}

^{۱۶} کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، زنان ایران در دوران روحانی (اوت ۲۰۱۳ – اوت ۲۰۱۵)، سپتامبر ۲۰۱۵.

<http://www.women.ncr-iran.org/publications/documents/item/1928-iranian-women-under-rouhani>

^{۱۷} خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۵ مه ۲۰۱۵ (۱۵ اردیبهشت ۲۰۱۵).

^{۱۸} کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت، ۱۸ اوت ۲۰۱۵ (۲۷ مرداد ۱۳۹۴): روز دوشنبه صدها زندانی در زندان مهاباد، در اعتراض به محدودیت‌های ضدانسانی حسین پور رئیس جدید زندان مهاباد، اعتصاب عمومی کردند. بیش از ۵۰۰ زندانی مرد و ۳۰ زندانی زن در این اعتصاب شرکت کرده‌اند و هم‌اکنون اعتصاب عمومی کل زندان مهاباد را فراگرفته‌اند.

^{۱۹} کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، زنان ایران در دوران روحانی (اوت ۲۰۱۳ – اوت ۲۰۱۵)، سپتامبر ۲۰۱۵.

<http://www.women.ncr-iran.org/publications/documents/item/1928-iranian-women-under-rouhani>

روز ۱۳ ژوئن ۲۰۱۵، خانم معصومه ضیا، عضو عرفان حلقه به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.^{۲۰} در جریان سرکوب تجمع در اویش در سپتامبر ۲۰۱۴ زنان مورد حمله با باتون و شوکرهای الکتریکی قرار گرفتند و بسیاری افراد مجروح شده و برخی دچار شکستگی استخوان شدند.^{۲۱} مأموران امنیتی در بسیاری از موارد به خانواده‌های زندانیان حمله کرده و رفتار بسیار توهین آمیزی دارند. در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۴ وقتی که خانواده زندانی سیاسی جمشید دهقان برای دیدن او به زندان گوهردشت رفته بودند مأموران امنیتی به آنها حمله کرده و خواهر زندانی را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

یکی از دلایل نهادینه شده و روتین خشونت علیه زنان در ایران بسیج‌های نیروهای امنیتی علیه زنان با حجاب نامناسب است، جایی که دهها هزار زن هر بار دستگیر می‌شوند.^{۲۲} علاوه بر این کارزارهای «رسمی»، مأموران و گروه‌های تحت الحمایه دولتی وجود دارند که قانون را در دست خود میگیرند و تحت پوش «نهی از منکر و امر به معروف» به زنان حمله می‌کنند. این حملات معمولاً توسط امام جمعه‌هایی که علیه زنان بدحجاب سخنرانی می‌کنند تحریک می‌شوند. در اکتبر ۲۰۱۴، چنین تحریکاتی منجر به حملات اسیدپاشی بیرحمانه بر زنان بیگناه در اصفهان، تهران، چهرم و سایر شهرها شد. در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۴، حداقل ۲۵ زن قربانی حملات اسیدی وحشیانه توسط دسته‌جات سازمانیافته رژیم ایران در شهرهای اصفهان، کرمانشاه و تهران گشتند. روز ۱۹ اکتبر در اصفهان یک دختر جوان وقتی اوباشان رژیم روی سینه اش اسید پاشیدند کشته شد.^{۲۳}

در حالیکه نرخ تحصیلات زنان با مردان برابر است، در امر اشتغال به شدت علیه آنها تبعیض می‌شود. طبق آمار رسمی، تعداد زنانی که در سن کار هستند ۳۲ میلیون و ۲۵۲ هزار و ۹۰ نفر است که از این تعداد ۴ میلیون و ۲۸۹ هزار و ۵۲۸ نفر به لحاظ اقتصادی فعال هستند و بقیه هیچ نقش اقتصادی ندارند.^{۲۴} بنابراین نرخ مشارکت اقتصادی زنان طبق برخی روایات ۱۳ درصد است و ۸۷ درصد آنان بیکار هستند. بنابه گزارش مجمع جهانی اقتصاد در رابطه با مشارکت اقتصادی زنان، در میان ۱۴۲ کشور، ایران رتبه ۱۳۷ را دارد.^{۲۵} سایر منابع حکایت از اخراج ۹۰۰ هزار زن در ده سال گذشته دارد.^{۲۶}

چنین تبعیضی تأثیر بسیار بدتری روی زنان مجرد سرپرست خانوار دارد که تعداد آنها ۲،۵ میلیون خانوار در سال ۲۰۱۱ تخمین زده شده و ۸۲ درصد این زنان سرپرست خانوار بیکار هستند.^{۲۷}

^{۲۰} کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، ۲۹ تیر ۱۳۹۴

^{۲۱} وب سایت مجذوبان نور، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ (۳۰ شهریور ۱۳۹۳)

^{۲۲} به سختی میتوان آمار دقیق در مورد دستگیری‌ها اعلام کرد چرا که هیچ منبع رسمی آمار دقیق منتشر نمی‌کند. یک منبع رقم دستگیریه‌ها در سال ۲۰۱۴ را ۲۲۵۰۰ اعلام کرد.
^{۲۳} به گزارش خبرگزاری رسمی ایرنا، احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی روز ۲۱ آبان ۱۳۹۳ (۱۲ نوامبر ۲۰۱۴) گفت: حادثه اصفهان به دلیل وسعت رسانه‌ای مورد توجه قرار گرفت، در حالی که در شش ماهه اول امسال ۳۱۸ مورد اسیدپاشی به خودرو، شی و افراد صورت گرفته... تاکنون «هیچ فردی» در ارتباط با اسیدپاشی اصفهان دستگیر نشده است.

^{۲۴} سایت حکومتی تی نیوز، خبرگزاری فارس، ۱۶ اوت ۲۰۱۵ (۲۵ مرداد ۱۳۹۴)

^{۲۵} سایت حکومتی اخبار روز، ۲ ژوئن ۲۰۱۵ (۱۲ خرداد ۱۳۹۴)

^{۲۶} خبرگزاری حکومتی فارس، ۱۶ ژوئن ۲۰۱۵ (۲۶ خرداد ۱۳۹۴): فاطمه صادقی، استاد دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس: «با نگاهی به وضعیت اشتغال زنان در ۱۰ سال گذشته سالانه می‌بینیم حدود ۱۰۰ هزار زن از بازار کار اخراج شدند. همچنین بر اساس آمارهای رسمی، ۷۴ هزار زن نیز پس از استفاده از مرخصی زایمان از کار خود اخراج شده‌اند، بنابراین می‌توان گفت در مجموع حدود ۹۰۰ هزار زن در این مدت از کار اخراج و بیکار شده‌اند.»

^{۲۷} خبرگزاری رسمی ایرنا، ۳ اوت ۲۰۱۵ (۱۲ مرداد ۱۳۹۴): «شهیندخت مولوردی، معاون رئیس جمهوری ایران در امور زنان و خانواده، گفت آمار زنان سرپرست خانوار رو به افزایش است... بر اساس آمارهایی که پیش از این در سال ۱۳۹۰ منتشر شده بود، در آن زمان حدود دو میلیون و ۵۰۰ زن سرپرست خانوار در ایران وجود داشت که شمار آنان نسبت به سال ۱۳۸۵، از ۹،۵ درصد به ۱۲،۱ درصد افزایش یافته بود... سال گذشته مولوردی گفته بود که ۸۲ درصد زنان سرپرست خانوار بیکار هستند.»

مشارکت زنان در سطوح بالاتر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حداکثر ۳ درصد و در بخش‌های اقتصادی دیگر تنها یک درصد اعلام شده است.^{۲۸} همین اخیراً، یک مشاور وزارتخانه گفت که مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان اصلاً وجود ندارد.^{۲۹}

یک حیطة دیگر برای تبعیض علیه زنان آموزش و تحصیل است. در حالی که هزاران دختر به دلیل اینکه آموزگار آنها مرد هستند، از تحصیل محروم هستند،^{۳۰} وزارت علوم تنها ۷۶۲ معلم زن در مقایسه با ۲۹۴۱ معلم مرد استخدام کرده است.^{۳۱} در عین حال، سیاست سهمیه بندی جنسیتی در دانشگاهها بیش از ۸ هزار کرسی زنان را در فاصله ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ حذف کرده است.^{۳۲} همچنین حداقل ۸۰۰ هزار دختر بین ۶ تا ۱۷ سال از تحصیل محروم هستند.^{۳۳}

یک مسئله مهم دیگر تبعیض آمیز که منجر به دستگیریهای جنجالی شده، شرکت زنان به عنوان تماشاچی در مسابقات ورزشی است چرا که طبق قوانین ایرانی ورود زنان به استادیوم ها ممنوع است.^{۳۴}

^{۲۸} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۷ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۶ شهریور ۱۳۹۴): «شهیندخت ملاوردی، شهیندخت مولاوردی معاون رئیس جمهور در حوزه زنان... با تاکید بر اینکه مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی کم‌رنگ است، ادامه داد: حضور زنان در مجلس کمتر از سه درصد و در بخش‌های دیگر در خوشبینانه ترین شرایط به یک درصد هم نمی‌رسد.»

^{۲۹} خبرگزاری رسمی ایرنا، ۶ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۵ شهریور ۱۳۹۴): وحیده نگین، مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: «مشارکت زنان صرفاً به معنای داشتن حق رای نیست، بلکه شامل مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود که متأسفانه در ایران وجود ندارد.»

^{۳۰} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۸ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۷ شهریور ۱۳۹۴): مرضیه گرد، معاون وزیر آموزش و پرورش، اعلام کرد: «۲۲۰۰ دختر به دلیل این که معلم مرد داشتند از تحصیل بازمانده بودند.»

^{۳۱} سایت ما زنان، ۱۵ اوت ۲۰۱۵ (۲۴ مرداد ۱۳۹۴): بیش از ۱۱۴ هزار نفر داوطلب در آزمون آموزش و پرورش ثبت‌نام کردند، بنا بر سهمیه‌های مشخص شده در دفترچه دو هزار و ۹۴۱ نفر مرد و تنها ۷۶۲ نفر زن می‌توانند بخت قبولی داشته باشند.

^{۳۲} روز اول سپتامبر ۲۰۱۴ (۱۰ شهریور ۱۳۹۳)، به گزارش شهروند، پرستو اللهیاری، پژوهشگر اجتماعی در نشست «زنان و عدالت آموزشی» گفت: در این سال (۱۳۹۱) در ۳۶ دانشگاه، سهم زنان را از رشته‌های ورودی حذف کردند... در سال ۹۱، دوهزار و ۳۱۹ ظرفیت برای ظرفیت، در سال ۹۲ سه هزار و ۹۶۲ و در سال ۹۳، دوهزار و ۳۱۹ ظرفیت برای تحصیل زنان در دانشگاه‌ها حذف شده است.»

^{۳۳} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۳۰ ژوئن ۲۰۱۵ (۹ تیر ۱۳۹۴): فاطمه صادقی (استاد دانشگاه) تصریح کرد: «طبق آمار رسمی حدود ۱۰ درصد دختران ۶ تا ۱۷ ساله محروم از تحصیل هستند که در قیاس جمعیتی حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار دختر را شامل می‌شود، این در حالی است که این تعداد تنها مختص دخترانی است که از تحصیل محروم شده‌اند... ۲۰ درصد از دختران هرگز به مقطع دبیرستان وارد نمی‌شوند.»

^{۳۴} عتجه قوامی، ۲۵ ساله، یک زن ایرانی-بریتانیایی به خاطر تلاش برای شرکت در مسابقه والیبال مردان دستگیر شد. پلیس و نیروهای انتظامی از شرکت زنان در مسابقه والیبال روز ۳۰ خرداد ۱۳۹۳ جلوگیری کرده و تعدادی از آنان از جمله قوامی را دستگیر کردند. عفو بین الملل با صدور یک بیانیه اقدام فوری خواستار آزاد کردن وی شد. در این بیانیه آمده است: «او یک زندانی وجدان است که فقط به خاطر شرکت در یک اعتراض مسالمت آمیز علیه ممنوعیت ورود زنان به مسابقات لیگ جهانی والیبال در استادیوم آزادی تهران دستگیر شد.» بنا به گزارش این گروه مدافع حقوق بشر، قوامی روز ۹ تیر ۱۳۹۳ وقتی برای تحویل گرفتن تلفن موبایل خود به بازداشتگاه واقع در خیابان وزرا رفت، دستگیر شد.

طلاق میان بچه های ۱۰ تا ۱۴ ساله بیشتر رایج شده^{۳۵} و جمعیت بزرگی از مادران مجرد زیر ۲۰ سال به وجود آورده است در حالی که ازدواج اجباری زنان زیر سن قانونی توسط قانون مجاز شده و در ایران رایج گردیده است.^{۳۶} برخی از مقامات اعلام کرده اند که در هر ساعت ۱۹ طلاق در هر ساعت در ایران ثبت شده است.^{۳۷}

روایات متفاوتی از تعداد زنانی که در خیابانهای تهران می خوابند وجود دارد که آمار را از ۵ تا ۱۵ هزار نفر تخمین می زنند.^{۳۸} سایر گزارشات حاکی از آن است که در میان این زنان، زنان باردار هم وجود دارند که جنین به دنیا نیامده خود را به منظور کسب مقداری پول برای حفظ بقا به فروش می رسانند.^{۳۹} تعداد دختران بین ۱۴ تا ۱۸ سال که از خانه فرار می کنند نیز رو به افزایش است و هر ساله بین ۱۰ تا ۱۵ درصد به تعداد زنان بی خانمانی که در خیابان می خوابند افزوده می شود.^{۴۰} طبق گزارشات، بسیاری از این زنان معتاد هستند و سن اعتیاد در میان زنان به ۱۳ سال رسیده است.^{۴۱} در عین حال، تعداد زنانی که دچار بیماری ایدز می شوند نیز طی دو سال گذشته رو به افزایش بوده است.^{۴۲}

از جمله سایر آسیبهای اجتماعی رایج در رابطه با زنان افسردگی، خودکشی و فقر است. ملاوردی اذعان کرده که چهره فقر در ایران زنانه شده است.^{۴۳} شرایط اجتماعی و نقض حقوق بنیادین، زنان را به یاس و نهایتاً خودکشی سوق داده است.^{۴۴} درصد افسردگی در میان زنان بین ۱۴ تا

^{۳۵} خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵ (اول تیر ۱۳۹۴): فرشید یزدانی، «دبیر شورای برنامه ریزی راهبردی سازمان تأمین اجتماعی گفت: آمار نگران کننده دیگری که در این میان وجود دارد مربوط به ازدواج کودکان در سن پایین تر از سن قانونی است عمدتاً دختران کمتر از سن رسمی ازدواج می کنند از این رو ما حدود ۲۵ هزار نفر کودک مطلقه بین ۱۰ تا ۱۴ سال داریم.»

سایت حکومتی تابناک، ۴ دسامبر ۲۰۱۴ (۱۳ آذر ۱۳۹۳): «در سال ۱۳۹۱ ازدواج نزدیک به ۴۱ هزار دختر کمتر از ۱۵ سال ثبت شده. « همچنین مراجعه شود به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، زنان در دوران روحانی (اوت ۲۰۱۳ - اوت ۲۰۱۵)، صفحات ۷۲-۷۵

www.women.ncr-iran.org/publications/documents/item/1928-iranian-women-under-rouhani

^{۳۶} خبرگزاری حکومتی مهر، ۴ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۳ شهریور ۱۳۹۴): «معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به ازدواج برخی از دختران پیش از رسیدن به سن قانونی گفت: در یکی دو سال اخیر آمار نگران کننده‌ای از ازدواج دختران پیش از رسیدن به سن قانونی و ثبت آنها به دست ما رسیده است و حتی شاهد ازدواج دختران کمتر از ۱۰ سال نیز بوده‌ایم... در حال حاضر سن ازدواج قانونی دختران ۱۳ سال شمسی است و براساس مفاد قانون مدنی در صورتی که ولی دختر مصلحت بداند او پیش از ۱۳ سالگی نیز می‌تواند ازدواج کند. بیشتر این ازدواج‌ها در مناطق مرزی به علت فقر اتفاق می‌افتد.»

^{۳۷} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۷ اوت ۲۰۱۵ (۲۶ مرداد ۱۳۹۴): محمد اسلامی، معاون دفتر سلامت خانواده وزارت بهداشت ایران، امروز گفته است که «در سال ۹۳، هر ساعت ۱۹ طلاق در کشور ثبت شده است... متأسفانه ۸۰ درصد مطلقه های کشور زیر ۳۰ سال هستند.»

^{۳۸} خبرگزاری حکومتی آریا، ۳۰ مه ۲۰۱۵ (۹ خرداد ۱۳۹۴): ۱۵ هزار زن هر شب در خیابانهای تهران می خوابند.

^{۳۹} خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۲ اوت ۲۰۱۵ (۳۱ مرداد ۱۳۹۴): در ادامه این جلسه آقای دکتر چیت چیان استاد دانشگاه طرحی را به استنادی ارائه کرد و گفت: «... بنده خودم چند شب در میان کارتن خوابها زندگی کردم ... متأسفانه در این محلات شاهد خرید و فروش بچه بودم. آنقدر وضعیت بحرانی است که بچه را در شکم مادر یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان پیش خرید می کنند.»

^{۴۰} خبرگزاری حکومتی فارس، ۱۶ اوت ۲۰۱۵ (۲۵ مرداد ۱۳۹۴): «مدیرکل بهزیستی استان تهران (احمد دلبری) به آمار فرار دختران از منزل اشاره کرد و گفت: متأسفانه این پدیده روز به روز در حل افزایش است و سالانه ۱۰ الی ۱۵ درصد از دختران بین ۱۴ تا ۱۸ سال از منازلشان فرار می کنند.»

^{۴۱} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۴ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۳ شهریور ۱۳۹۴): شهیندخت ملاوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده: «در حال حاضر سن اعتیاد دختران به ۱۳ سال رسیده است و شاهد تغییر الگوی مصرف مواد از سوی آنان از مواد سنتی به مواد صنعتی و روان گردان هستیم.»

^{۴۲} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۶ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۵ شهریور ۱۳۹۴): دکتر محمدمهدی گویا رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیردار وزارت بهداشت: «تعداد زنان مبتلا به ایدز در کشور در دو سال اخیر افزایش داشته است و هر کشوری که تعداد زنان مبتلا به ایدز در آن بیشتر باشد، در معرض خطر بیشتری قرار دارد؛ زیرا نسل آینده نیز در معرض خطر این بیماری قرار می‌گیرند... جمعیت کشور ما جوان است و مطالعات نشان می‌دهد که میزان ابتلا به ایدز در بین جوانان ما در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است و سن ابتلا به ایدز در ایران به صورت آهسته پایین می‌آید.»

^{۴۳} خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۶ سپتامبر ۲۰۱۴ (۱۵ شهریور ۱۳۹۴): شهیندخت مولوردی در همایشی درباره زنان و اشتغال، مهم‌ترین چالش اقتصادی ایران را معضل بیکاری دانست و گفت بیکاری به‌ویژه در مورد دختران فارغ‌التحصیل و زنان سرپرست خانوار به چشم می‌خورد... معاون رئیس‌جمهور ایران گفت: «روند رو به رشد زنان سرپرست خانوار و زنانه شدن فقر جای چون و چرا برای قرار دادن این زنان در اولویت صف اشتغال نمی‌گذارد.»

^{۴۴} خبرگزاری حکومتی فارس، ۱۹ اوت ۲۰۱۴ (۲۸ مرداد ۱۳۹۳): فهیمه فرهمندیور، مشاور وزارت کشور در امور زنان: «آمار افسردگی در دختران تحصیل کرده در حال افزایش است... دختران در شهرهای کمتر توسعه‌یافته به دلیل نبود امکانات ورزشی، فرهنگی، آموزشی و تفریحی راهی به جز ورود به دانشگاه برای ابراز خود و استفاده بهینه از عمر، ظرفیت‌ها و استعدادهایشان ندارند، امروزه ۶۰ درصد ورودی به دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند و این امر باعث شده که مشکل دختران دیپلم بیکار به چهار سال بعد و تبدیل شدن به مشکل دختران لیسانس بیکار و بی‌هدف و بر هم خوردن توازن جمعیت در دانشگاه‌ها منجر شود.»

۱۹ درصد است، در حالیکه برای مردان بین ۵ تا ۱۲ درصد است.^{۴۵} نرخ خودکشی خیلی بالا است و (در این زمینه) ایران حائز رتبه اول در خاورمیانه است. اکثر خودکشی‌ها در استانهای ایلام، خوزستان، چارمحال و بختیاری رخ داده‌اند.^{۴۶} خودکشی‌های گزارش شده که طی سال گذشته توسط کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت جمع آوری شده به ۳۱ مورد میرسد.^{۴۷}

در این چکیده تلاش شد به برخی از اصلی‌ترین مسائل حائز اهمیت در رابطه با نقض حقوق زنان و تبعیض علیه آنها اشاره شود، اما کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت مطالعه جامع‌تری در گزارش دو سال حکومت روحانی، *زنان ایرانی در دوران روحانی*، اوت ۲۰۱۳ تا اوت ۲۰۱۵ منتشر کرده است.^{۴۸}

۵. اقدامات دولت در رابطه با برابری و قدرتمندسازی زنان:

رئیس‌جمهور رژیمن آخوندی حسن روحانی از زمان روی کار آمدن تلاش کرده است تصویر متفاوتی با دولتهای پیشین از رویکرد خود به مسئله زنان و اعطای فرصت به آنها، ارائه دهد.

در یک اقدام تاکتیکی که بیشتر رسانه‌های بین‌المللی و مصارف خارجی را مدنظر داشت، او سه زن را به عنوان معاونین رئیس‌جمهور منتصب کرد تا امور حقوقی، زنان و محیط زیست را به عهده بگیرند.

زنانی که به این مواضع منصوب شدند اما از هیچ قدرت اجرایی برخوردار نیستند و مأموریت آنها به «برنامه ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت» محدود می‌باشد. آنها باید در هماهنگی با مشاورین امور زنان در سایر وزارتخانه‌ها کار کنند تا طرحها و سیاستهایی که تدوین می‌کنند بعد از تصویب، به اجرا در آمده و پیش برود و «این مشاوران اگر در مجموعه تصمیم‌گیری دستگاه‌ها حضور نداشته باشند در اجرایی شدن برنامه‌ریزی‌های انجام شده در حوزه زنان مشکل ایجاد می‌شود».^{۴۹}

شهیندخت ملاوردی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان، در یک مصاحبه فاش ساخت که «چون شأن اجرایی نداریم هنوز رابطه اثربخش مطلوب با دستگاه‌ها و استانها پیدا نکرده‌ایم و از همان اوایل با موانع جدی روبرو بوده‌ایم».^{۵۰}

در عین حال، در راستای تاکتیکهای فریبکارانه که ویژگی ملایان است، دولت روحانی روی این انتصابهای «نمایشی» مانور داده و این زنان را به عنوان وایس‌پرزیدنت (نایب رئیس‌جمهور) به رسانه‌ها معرفی می‌کند گویی که آنها میتوانند به جای رئیس‌جمهور عمل کرده و از

^{۴۵} سایت حکومتی خبرآنلاین، ۵ اکتبر ۲۰۱۴ (۱۳ مهر ۱۳۹۳)

^{۴۶} سایت حکومتی پیام، ۲۶ ژوئن ۲۰۱۵ (۵ تیر ۱۳۹۴)

^{۴۷} کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، *زنان ایرانی در دوران روحانی*، اوت ۲۰۱۳ تا اوت ۲۰۱۵، صفحه ۹۴

^{۴۸} <http://www.women.ncr-iran.org/publications/documents/item/1928-iranian-women-under-rouhani>

^{۴۹} مصاحبه با خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۰ مه ۲۰۱۵ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴): سوسن باستانی، معاون بررسی‌های راهبردی معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری: «وظیفه معاونت امور زنان برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، رصد و پایش است و در اجرا دخالتی ندارد بنابراین ارتباط مستقیمی با جایگاه مشاوران امور زنان دستگاه‌ها پیدا می‌کند. این مشاوران اگر در مجموعه تصمیم‌گیری دستگاه‌ها حضور نداشته باشند در اجرایی شدن برنامه‌ریزی‌های انجام شده در حوزه زنان مشکل ایجاد می‌شود».

^{۵۰} سایت تی نیوز، ۲۴ اوت ۲۰۱۵ (۲ شهریور ۱۳۹۴): «وی در ادامه به تعامل معاونت امور زنان و خانواده با دستگاه‌ها و استانها اشاره و اظهار کرد: چون شأن اجرایی نداریم هنوز رابطه اثربخش مطلوب با دستگاه‌ها و استانها پیدا نکرده‌ایم و از همان اوایل با موانع جدی روبرو بوده‌ایم».

اختیارات او استفاده کنند. در آوریل ۲۰۱۵، تلویزیون سی ان ان با «وایس پرزیدنت معصومه ابتکار» مصاحبه کرد در حالی که او تنها رئیس سازمان حفاظت محیط زیست است و از هیچ یک از قدرتهای رئیس جمهور ملایان برخوردار نیست.^{۵۱}

در این بخش، ما به بررسی اقدامات معاونت امور زنان و خانواده در دفتر ریاست جمهوری^{۵۲} برای پاسخگویی به اهداف جنبش جهانی برابری جنسیتی از جمله اهداف ارگان زنان ملل متحد در رابطه با سرمایه گذاری در برابری جنسیتی، ارائه قوانین جدید و راه اندازی کارزارهای عمومی برای ترویج برابری جنسیتی، ارتقاء رهبری زنان و مشارکت در همه سطوح تصمیم گیری، و جلوگیری از هنجارها و الگوهای اجتماعی که نابرابری جنسیتی، تبعیض و خشونت را رواج میدهند، خواهیم پرداخت.

این معاونت در گزارش دوساله خود درباره عملکرد معاونت امور زنان و خانواده (۲۰۱۴-۲۰۱۵)^{۵۳} که روز ۳۰ اوت ۲۰۱۵ منتشر شد، در یک جدول «خلاصه مدیریتی» ۹۰ قلم اقدامات و طرحهایی را لیست کرده است که طی دو سال حکومت روحانی برای پیشرفت شرایط زنان ایرانی انجام داده است.

از ۹۰ قلمی که لیست شده، به سختی ۲۸ مورد آن شامل اقدامات عملی و مادی می شود که از طریق سایر ارگانها و وزارتخانه ها انجام می شود. این اقدامات شامل تأمین مولتی ویتامین برای ۱۱ هزار زن باردار و شیرده، آموزش زنان باردار درباره مزایای زایمان طبیعی، دادن مشاوره به ۲۴۱۰ زن و دختر در آستانه ازدواج و طلاق، ایجاد یک سایت برای زنان و در بهترین صورت آموزش به زنانی که در حال ترک اعتیاد هستند می شود.

سایر ۶۲ قلم شامل دادن پیشنهاد (۱۲ قلم)، پیگیری مسائل مختلف از درمان قربانیان اسیدپاشی تا عضویت در یک شورا تا تصویب یک لایحه درباره بیمه زنان خانه دار و غیره (۱۲ قلم)، برگزاری و یا شرکت در جلسات مختلف و بازدید از نهادهای مختلف (۹ قلم)، نوشتن پیش نویس لایحه های مختلف (۵ قلم)،^{۵۴} تهیه انواع گزارشها (۴ قلم)، امضای توافقنامه با سایر وزارتخانه ها و کشورها (۴ قلم)، همکاری با سایر ارگانها و حمایت از پروژه های مشخص (۲ قلم)، انجام مصاحبه با ۲۲۹ رسانه ملی و بین المللی (۱ قلم) می شود و (۱۳ قلم) مواردی که ربط مشخص به زنان ندارد.^{۵۵}

این گزارش البته تحت عنوان «سطحی»، «غیرحرفه ای» و «غیرقابل قبول» ارزیابی شده است.

^{۵۱} آسوشیتدپرس، ۹ ژوئن ۲۰۱۵: «نایب رئیس جمهور برای امور زنان و خانواده شهیندخت ملاوردی، بخشی از کابینه رئیس جمهور مدره حسن روحانی، گفت که دولت امیدوار است از رویارویی با سخت سران بر سر این موضوع احتراز کند.»

سی ان ان، ۲۰ آوریل ۲۰۱۵: نایب رئیس جمهور ایران: ما گروههای رادیکال داریم، اما آنها در اقلیت هستند در سال ۱۹۷۹، او سخنگوی دانشجویانی بود که سفارت آمریکا را محاصره کردند. حالا معصومه ابتکار با فرد پلیتکن در تهران درباره مذاکرات اتمی و بیشتر صحبت میکند.

<http://edition.cnn.com/videos/world/2015/04/20/intv-amanpour-iran-pleitgen-masoumeh-ebtekar.cnn>

سی ان ان، ۲۱ آوریل ۲۰۱۵: نایب رئیس جمهور ایران: رضائیان از برخورد منصفانه برخوردار خواهد شد

خبرنگار واشنگتن پست در ایران جیسون رضائیان متهم به جاسوسی شده است. فرد پلیتکن نایب رئیس جمهور معصومه ابتکار را درباره بازداشت او به چالش می کشد.

<http://edition.cnn.com/videos/world/2015/04/21/intv-amanpour-pleitgen-iran-masoumeh-ebtekar-rezaian.cnn>

شرکت پخش استرالیا (ای بی سی نیوز)، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۵: نایب رئیس جمهور ایران شهیندخت ملاوردی سخت سران را سرزنش می کند بعد از اینکه زنان از مسابقات والیبال ممنوع شدند

گاردین، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۵: نایب رئیس جمهور ایران بر سر ممنوعیت والیبال برای هواداران به سخت سران حمله می کند

^{۵۲} معاونت امور زنان و خانواده در دفتر رئیس جمهور، ترجمه صحیح و دقیق دفتری است که شهیندخت ملاوردی ریاست آنرا به عهده دارد. این در نقطه مقابل ترجمه رسمی رژیم ایران تحت عنوان نایب رئیس جمهور می باشد.

^{۵۳} گزارش عملکرد معاونت امور زنان و خانواده در دولت تدبیر و امید، ۱۳۹۲-۱۳۹۴، صفحات ۷ تا ۱۴

^{۵۴} برخی از اقلام شامل برخی از پیش نویسها، حتی با صفر درصد موفقیت، در این جدول ثبت شده اند به این معنی که یا اصلاً انجام نشده یا به کلی رد شده اند، اما هنوز در جدول تحت عنوان اقدامات انجام شده توسط معاونت لیست شده و شماره ردیف به خود اختصاص داده اند.

^{۵۵} گزارش عملکرد معاونت امور زنان و خانواده در دولت تدبیر و امید، ۱۳۹۲-۱۳۹۴، صفحات ۷ تا ۱۴

از پروانه مافی، یک مقام اسبق دولتی و فعال در امور زنان، درخواست شد عملکرد معاونت امور زنان و خانواده را ارزیابی کند. او گفت: «در دو سال اخیر بیشتر به کارهای روبنایی و ظواهر و همایش‌ها و نشست‌ها پرداخته شده است. نه این که این کارها بد باشد، ولی باید این نوع فعالیت‌ها بخش کمی از عملکردها را به خود اختصاص دهد. انتظار این است که به کارهایی که جنبه‌ی زیربنایی دارد و موجب تحولات اساسی در امور زنان می‌شود و یا حداقل آغازی می‌شود برای کارهای اساسی و زیربنایی در حوزه زنان، بیشتر پرداخته شود.»^{۵۶}

همچنین زهره طیب زاده نماینده مجلس گفت: «مرکز امور زنان و خانواده در حال حاضر به هیچ نهادی پاسخگو نیست... از ابتدای مسئولیت خانم مولوردی در این سمت، تقریباً هیچ گزارشی از مرکز امور زنان و خانواده در مجلس وجود نداشته است تا عملکرد مرکز امور زنان و خانواده مشخص شود... یک گزارش کلی و غیرکارشناسی، قابلیت بررسی ندارد و نمی‌تواند عملکرد یک مجموعه را مشخص کند. این اعداد و ارقام و شرح دقیق بر نحوه اجرای کار است که مجموعه فعالیت‌های این مرکز را بیان می‌کند، نه اموری مانند تفاهم‌نامه و قراردادهایی که با مراکز دیگر امضا می‌شود. کم‌وکیف عملکردی که در حوزه زنان در این مرکز صورت گرفته، باید با جزئیات بیان شود؛ مثلاً تعداد تعاونی‌های راه‌اندازی شده، تعداد کتب ارائه شده، میزان حمایت از زنان نخبه و موارد دیگر این‌چنینی، نیاز به تبیین و تشریح دارد. کلی‌گویی و مطرح کردن چندین موافقت‌نامه به‌عنوان گزارش فعالیت اصلاً مقبول نیست و به جای چنین مواردی، باید جزئیات دقیق عملکرد را ارائه کنند.»^{۵۷}

یکی از سایتهای رسمی زنان در ایران روز ۱۷ اوت ۲۰۱۵ از دولت و معاون امور زنان آن شهیندخت ملاوردی به خاطر «غیرموثر بودن» در ۱۸ ماه از زمان انتصاب ملاوردی انتقاد کرد. یک فعال مدنی در امور زنان در مصاحبه با این سایت گفت «مولوردی در شعار و صحبت کردن و وعده دادن هم‌جهت با خواسته‌های زنان بوده است اما در عمل اصلاً مسیری را طی نکرده که قابل ارزیابی باشد.»^{۵۸}

در اشاره به یکی از بحث‌برانگیزترین قوانین دو ساله اخیر، لایحه قانونی کردن ازدواج سرپرست با دخترخوانده، ملاوردی به خاطر «ناتوانی در انجام کاری برای حذف» این لایحه مورد حمله قرار گرفت. به گفته این مقاله «کارهای مولوردی عمدتاً تبلیغاتی، تشریفاتی و نمایشی است... ایشان هنوز کار زیر ساختی نکرده‌اند... که همه زنان کشور را یک گام جلو ببرد.»^{۵۹}

برای اینکه تعیین کنیم اینها فقط ادعاهای جناح رقیب است و یا دولت روحانی به طور واقعی «غیرموثر» و اقداماتش صرفاً «تبلیغاتی، تشریفاتی و نمایشی» بوده است، اجازه بدهید نگاهی به اظهارات ملاوردی معاون امور زنان و سایر مقامات رژیم فقط در ماه اوت ۲۰۱۵ ببینیم و قضاوت کنیم.

«متأسفانه تعداد بانوان کارتن خواب نه در مقایسه با مردان بلکه با جنس خود نسبت به گذشته زیاده‌تر شده است.»^{۶۰}

«فقر، زنانه شده است... بیش از ۶۴ درصد از خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد را زن سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند.»^{۶۱}

«با توجه به اینکه اکثر این نیروها (کارمندان خانه‌های سلامت) از بانوان شهر هستند اما در خصوص استخدام و بیمه آنها هنوز اقدام موثری صورت نگرفته است... متأسفانه این بانوان هیچ‌گونه امنیت شغلی ندارند و حتی نمی‌توانند از مرخصی زایمان استفاده کنند.»^{۶۲}

^{۵۶} سایت حکومتی شبکه زنان، ۳ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۲ شهریور ۱۳۹۴)

^{۵۷} همان منبع

^{۵۸} سایت حکومتی شبکه زنان، ۱۷ اوت ۲۰۱۵ (۲۶ مرداد ۱۳۹۴)، مصاحبه با یک فعال مدنی در امور زنان، توران ولی مراد درباره کارنامه معاونت امور زنان و خانواده

^{۵۹} همان منبع

^{۶۰} معاون شهردار تهران در امور فرهنگی، آخوند میثم امرودی، خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۸ اوت ۲۰۱۵ (۶ شهریور ۱۳۹۴)

^{۶۱} مرآت رسولی، مدیر کمیته امداد (خبریه) در شیراز، خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۶ اوت ۲۰۱۵ (۴ شهریور ۱۳۹۴)

^{۶۲} محمد حقانی، نایب رئیس کمیسیون بهداشت شورای شهر تهران، خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۵ اوت ۲۰۱۵ (۳ شهریور ۱۳۹۴)

«بخش غیر رسمی اشتغال زنانه شده است؛ چرا که زنان نیروی کار ارزانی هستند و به علت نیاز به کار به این نوع اشتغال تن می دهند.»^{۶۳}

«عمده ترین مشکل کنونی شهر تهران زنانه شدن آسیب های اجتماعی است.»^{۶۴}

«نرخ گذر دختران در مقاطع تحصیلی در مقایسه با پسران کمتر است که این به دلیل ازدواج زودرس و اجبار و نگهداری از سایر اعضای خانواده است.»^{۶۵}

«سن ابتلا بسیاری از آسیب های اجتماعی در میان دختران ما به شدت پایین آمده این بسیار نگران کننده شده است.»^{۶۶}

«۴۹ درصد خانوار های زن سرپرست فقیر هستند... در سال های اخیر به خانواده های زن سرپرست ۶۰ درصد افزوده شده...»^{۶۷}

«متأسفانه این پدیده روز به روز در حال افزایش است و سالانه ۱۰ الی ۱۵ درصد از دختران بین ۱۴ تا ۱۸ سال از منزلشان فرار می کنند.»^{۶۸}

«زنان در سن کار کشور جمعیتی به میزان ۳۲ میلیون و ۲۵۲ هزار و ۹۰ نفر را تشکیل می دهند که از این تعداد فقط ۴ میلیون و ۲۸۹ هزار و

۵۲۸ نفر فعال اقتصادی شناخته می شوند و ۲۷ میلیون و ۹۶۲ هزار و ۵۶۲ نفر [۸۷ درصد] هیچ نقشی در اقتصاد کشور ندارند.»^{۶۹}

«در سال های اخیر پمپاژ واردات ارزان با دلارهای نفتی؛ باعث شد زنان سهم زیادی را از اشتغال از دست بدهند و به تدریج تعداد زنان شاغل ما کاهش یافته به طوری که در سال گذشته تعداد زنان شاغل کشور به ۳٫۱ میلیون نفر رسید که از این حیث در شرایط مناسبی قرار نداریم.»^{۷۰}

تنها ۶۳۰ نفر از ۵ هزار نفری که در آزمون استخدام وزارت آموزش و پرورش قبول می شوند، زن خواهند بود. در تهران، از ۱۹۰ نیرویی که قرار است جذب آموزش و پرورش شوند، فقط شش زن حضور خواهند داشت.^{۷۱}

«تعداد زنان مبتلا به ایدز در کشور در دو سال اخیر افزایش داشته است و هر کشوری که تعداد زنان مبتلا به ایدز در آن بیشتر باشد، در معرض خطر بیشتری قرار دارد؛ زیرا نسل آینده نیز در معرض خطر این بیماری قرار می گیرند.»^{۷۲}

اینها تنها نوکی از کوه یخ مشکلات زنان ایرانی است که به مطبوعات و رسانه های حکومتی راه یافته اند. هرچند ناقص، این فاکتورها تصویر دردناکی از وضعیت زنان در ایران و عواقب وحشتناک ۳۷ سال زن ستیزی نهادینه شده در قدرت ترسیم می کند.

^{۶۳} شهیندخت ملاوردی، معاون روحانی در امور زنان و خانواده در جلسه هفتگی با رسانه ها و مطبوعات حکومتی، خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۴ اوت ۲۰۱۵ (۲ شهریور ۱۳۹۴)

^{۶۴} فرزاد هوشیار پارسیان، مدیرکل سازمان بهزیستی، خدمات اجتماعی و تعاون، خبرگزاری حکومتی ایرنا، ۱۶ اوت ۲۰۱۵ (۲۵ مرداد ۱۳۹۴)

^{۶۵} شهیندخت ملاوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، خبرگزاری حکومتی فارس، ۱۸ اوت ۱۳۹۴ (۲۷ مرداد ۱۳۹۴)

^{۶۶} همان منبع

^{۶۷} اکبر سوری، مدیرکل سازمان بهزیستی استان همدان، سایت حکومتی بهارنیوز، ۱۸ اوت ۲۰۱۵ (۲۷ مرداد ۱۳۹۴)

^{۶۸} احمد دلبری، مدیرکل سازمان بهزیستی تهران، خبرگزاری حکومتی فارس، ۱۶ اوت ۲۰۱۵ (۲۵ مرداد ۱۳۹۴)

^{۶۹} روزنامه حکومتی اطلاعات، ۱۵ اوت ۲۰۱۵ (۲۴ مرداد ۱۳۹۴)

^{۷۰} شهیندخت ملاوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، خبرگزاری حکومتی فارس، سایت تی نیوز، ۱۱ اوت ۲۰۱۵ (۲۰ مرداد ۱۳۹۴)

^{۷۱} خبرگزاری حکومتی فارس، ۸ اوت ۲۰۱۵ (۱۷ مرداد ۱۳۹۴): «آزمون استخدامی آموزش و پرورش ۲۷ شهریور برگزار می شود و از ۳۷۰۳ نیرویی که قرار است در آزمون پذیرفته شوند، ۳۰۷۳ نفر مرد و ۶۳۰ نفر زن خواهند بود. بر اساس مجوزی که وزارت آموزش و پرورش از سازمان مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری دریافت کرده است، قرار است پنج هزار نفر در این وزارتخانه استخدام شوند که حدود ۱۳۰۰ نفر بدون حضور در این آزمون و متعلق به سهمیه خانواده شهدا و ایثارگران هستند... در تهران پایتخت کشور که بیشترین تعداد دانش آموز و فضای آموزشی کشور را به خود اختصاص داده است، در مجموع ۱۹۰ نیروی آقا و خانم جذب آموزش و پرورش خواهند شد. اداره آموزش و پرورش شهر تهران از بین ۱۹۰ نیرویی که جذب خواهد کرد، ۱۸۴ نفر آقا و فقط ۶ نفر خانم هستند.»

^{۷۲} دکتر محمدمهدی گویا، رئیس مرکز مدیریت بیماریهای واگیردار وزارت بهداشت، خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۶ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۵ شهریور ۹۴)

نرخ بالا و همچنان فزاینده زنان و دخترانی که از خانه فرار کرده و در خیابانها می‌خوابند یا دست به خودکشی می‌زنند بسیار پرمعنا و در عین حال شگفت‌انگیز است به ویژه اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که تعداد دختران با استعداد ایرانی که وارد دانشگاهها می‌شوند همیشه بالای ۵۰ درصد طی دو دهه گذشته بوده است.

حالا نگاهی بیاندازیم به اقداماتی که در واقع امر دولت در برخورد با مشکلاتی که در مطبوعات گزارش شده اتخاذ کرده است.

گزارش معاونت زنان با افتخار از برگزاری و حمایت از نمایشگاههای متعدد برای ترویج مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان سرپرست خانوار و قدرتمندسازی زنان دم می‌زند.

یکی از این طرحها که بسیار هم درباره آن تبلیغ شده و تا کنون عینی‌ترین کاری بوده که معاونت زنان برای رویارویی با مسئله بیکاری زنان انجام داده، حمایت از مشاغل خرد که زنان در خانه میتوانند انجام دهند می‌باشد.

یکی از این طرحها در اهواز (در استان خوزستان، جنوب غرب ایران) اجرا شده است که در سال ۲۰۰۷ با دو زن شروع شده و تا سال ۲۰۱۵ بعد از ۸ سال شامل ۱۰۰ زن می‌شود. این زنان لباسهای ضدباکتری و ضدبو تولید می‌کنند که در ایران و کشورهای خلیج به فروش می‌رسد.^{۷۳} می‌شود میزان تأثیرگذاری طرحی که طی ۸ سال فقط برای ۱۰۰ زن اشتغال ایجاد می‌کند را حدس زد. ضمن اینکه چیزی درباره کیفیت این کار و میزان درآمد و یا تأمین بیمه و امنیت برای زنان دست‌اندرکار گفته نشده است.

در ماه سپتامبر یک نمایشگاه توسط معاون امور زنان وزارت صنایع، معادن و تجارت، برگزار شد که هدف آن ارائه «یک الگوی جدید به جهان از توسعه زنان در جمهوری اسلامی» بود و توانست نشان بدهد که زنان تنها در «۲۸ رشته مختلف اجتماعی، اقتصادی و خیریه فعال هستند»^{۷۴}

با تأسف، در کشوری که این همه زن با تحصیلات عالی وجود دارند و با نیروی کار بزرگی از زنان بین ۱۵-۴۹ سال^{۷۵} «مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان اصلاً وجود ندارد» و رژیم میتواند تنها از ۲۸ رشته برای فعالیت زنان ایرانی لاف بزند.^{۷۶} بنا به اعتراف مقامات، زنان هیچ حضوری در شوراهای اداری^{۷۷} ندارند و نقش ۳ درصدی آنها در پارلمان^{۷۸} اساساً «فرمایشی»^{۷۹} است.

^{۷۳} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۹ اوت ۲۰۱۵ (۱۸ مرداد ۱۳۹۴): حمایت از مشاغل خانگی و کارهای خرد و کوچک در قالب طرح پشتیبان

^{۷۴} خبرگزاری حکومتی ایسنا، اول اوت ۲۰۱۵ (۱۰ مرداد ۱۳۹۴): برگزاری دومین نمایشگاه زنان و توسعه پایدار در ماه سپتامبر

^{۷۵} سایت حکومتی عصر بانوان، ۵ اوت ۲۰۱۵ (۱۴ مرداد ۱۳۹۴): وزیر سابق علوم، جعفر توفیقی داریان، اعتراف کرد که «بیش از ۷۷ درصد از جمعیت زنان کشور در طیف سنی ۱۵ الی ۴۹ سال قرار دارند. که این امر حاکی از آمادگی و پتانسیل حضور این قشر از جامعه در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است» اما آنها به اندازه ای که باید جذب و به کار گرفته نشده اند. «آمار اشتغال جنسیت ها در کشور حاکی از حضور کم رنگ زنان در مقایسه با میانگین های جهانی است و نشان می دهد که از نیروهای تحصیل کرده زن در کشور به شایستگی استفاده نشده است»

^{۷۶} خبرگزاری حکومتی ایران، ۶ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۵ شهریور ۲۰۱۵)

^{۷۷} خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۵ اوت ۲۰۱۵ (۳ شهریور ۲۰۱۵): درباره انتصاب زنان به پست های مدیریتی، شهیندخت ملابوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده گفت: «حرکت های خوبی برای انتصاب زنان فرماندار آغاز شد که پس از مدتی متوقف ماند که اکنون به آن نمی پردازم.» وی افزود: «متأسفانه در شورای اداری استانها شاهد حضور زنان نیستیم.»

^{۷۸} سایت حکومتی میزان، ۸ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۷ شهریور ۱۳۹۴): شهیندخت ملابوردی با اشاره به اینکه مشارکت زنان در مجلس حدود ۳ درصد و در ساختارهای تصمیم گیری و دارای قدرت حدود یک درصد است، اذعان کرد: «چنین وضعیتی شایسته دولت نیست.»

^{۷۹} سایت حکومتی شبکه زنان ایران، ۵ اوت ۲۰۱۵ (۱۴ مرداد ۱۳۹۴): «توران ولی مراد، دبیر ائتلاف اسلامی زنان: مشکلی که اساساً در حوزه زنان با آن روبرو هستیم این است که کشور ما در این ۲۶ ساله و به خصوص در این ۲۶ ساله که سه دوره ۸ ساله و یک دوره دو ساله از حضور دولت ها را داشتیم، در امور زنان مسیر غلط و ناصحیح رفته ایم... متأسفانه هر کاری که در حوزه زنان انجام شده در بخش همایش، دیدار و نشست خلاصه شده و در واقع مسیر را غلط رفته ایم و با حضور فرمایشی زنان حالا چه مجلس باشد و یا دولت مشکلات به قوت خود باقیست.»

دولت یازدهم گزارش داده است که رویهم رفته طی دو سال کار خود، تنها ۵۳۸ شغل برای زنان ایجاد کرده است.^{۸۰}

پیش تر در این بخش ما اشاره کردیم که مقامات معاونت امور زنان و خانواده اعتراف کرده اند که از قدرت اجرایی برخوردار نیستند و دفتر آنها باید از طریق مشاورین زنان در سایر وزارتخانه ها و ادارات و یا از طریق سازمانهای مردم نهاد که در فارسی تحت عنوان سمن شناخته می شوند باید کار کنند. برخی گزارشهای مطبوعات برای افشای ماهیت این سمن ها و کارهایی که می کنند بسیار مفید بودند.

بنا به گزارشی که روز ۱۷ اوت ۲۰۱۵ منتشر شد، یکی از فعالترین سمن های زنان در استان خراسان شمالی سمن «ازدواج آسان» است. آنها از زوجهای جوان ۵۰۰ هزار تومان میگیرند و برای آنها خدمات مراسم عروسی فراهم می کنند مثل لباس عروس، آرایشگاه، کارت دعوت، کیک عروسی، فیلمبرداری از مراسم، غیره. بنابراین می بینیم که به جای ترویج مشارکت اقتصادی و قدرتمندسازی زنان، این سمن ها منبعی برای کسب درآمد مدیرانشان هستند.^{۸۱}

یکی دیگر از فعالیتهایی که معاونت زنان در ریاست جمهوری برگزار کرده و یا از برگزاری آن حمایت می کند نمایشگاهها است. نگاه کنیم به یک نمونه از این نمایشگاهها که با سر و صدای زیاد تبلیغ آن را کردند.

یک جشنواره ده روزه «شهر بانو» در اواسط اوت در برج میلاد یک برج لوکس در تهران برگزار شد تا «توانمندیهای» زن ایرانی را به نمایش بگذارد. این فستیوال شامل کارگاههای پزشکی، روانپزشکی و طب سنتی می شد که زنان می توانستند مشاوره رایگان در آنجا دریافت کنند. این نمایشگاه همچنین شامل نمایشهای خیابانی درباره موضوعات مذهبی و فرهنگی، مسابقات آشپزی و عکاسی، هوا کردن بادبادک توسط مادران و دختران، و از همه جالبتر یک برنامه «قصه گویی مادر بزرگها» می شد که در آن هنرپیشه های زن برای احیاء فرهنگ قصه گویی تلاش میکردند. شرکت کنندگان همچنین میتوانستند با مانکنهایی که لباسهای سنتی ایرانی پوشیده بودند عکس بگیرند.^{۸۲}

روشن است که هزینه کردن این همه پول برای چنین فستیوالهایی که آشپزی، قصه گویی و بادبادک هوا کردن را ترویج می کنند با طرح ۵۰-۵۰ زنان ملل متحد و اهداف آن برای دستیابی به برابری جنسیتی و قدرتمندسازی زنان تا سال ۲۰۳۰ هیچ همخوانی ندارد. می شود دید که خارج از مشاغل کلیشه ای هیچ فرصت جدیدی برای اشتغال زنان و برآوردن اهداف ذکر شده در برنامه عمل یکن ایجاد نشده است.

۶. بینش حکومتی:

در این بخش ما تلاش می کنیم درکی از ماهیت بنیادگرایی رژیم و بینش آن ایجاد کنیم و اینکه چرا استطاعت ندارد به برابری جنسیتی و قدرتمندسازی زنان میدان بدهد.

به واقع، چرا این رژیم زن ستیز میخواهد وضعیت زنان را ارتقاء بدهد و تعریف آن از ارتقاء زنان چیست؟

نگاهی به آرم انتخابی معاونت امور زنان و خانواده به ما در یافتن پاسخ کمک می کند و در حقیقت بسیار گویای اهداف رژیم ایران است.

^{۸۰} گزارش عملکرد معاونت امور زنان و خانواده در دولت تدبیر و امید، ۱۳۹۲-۱۳۹۴، صفحات ۷ تا ۱۴

^{۸۱} شبکه حکومتی زنان ایران، ۱۷ اوت ۲۰۱۵ (۲۶ مرداد ۱۳۹۴): چند و چون برگزاری نشستهای منطقه ای سمن های زنان / اهمیت و مزایا

^{۸۲} خبرگزاری حکومتی آریا، ۱۲ اوت ۲۰۱۵ (۲۱ مرداد ۱۳۹۴)



این آرم یک زن چادری را نشان می‌دهد که طفلی را در آغوش گرفته و در یک خانه احاطه شده است. اینها در حقیقت همه عناصری است که دیدگاه رژیم ملایان را در بهترین شکل خود ترسیم می‌کند. این ایده آلی است که آنها برای زنان جستجو می‌کنند و ارائه می‌دهند.

در رابطه با اهداف رژیم ایران از شرکت در اجلاس زنان در حاشیه دیدار رهبران جهان، آنها این را «فرصت جدیدی برای تعریف جایگاه و معیارهای الگوی نمونه از زن مسلمان ایرانی در عرصه بین‌المللی» می‌بینند.^{۸۳} و این الگو همان است که به خوبی در آرم آنها تصویر شده است.

یک مصاحبه با زهرا شجاعی،^{۸۴} مشاور سابق رئیس‌جمهور و رئیس مرکز مشارکت زنان در دولت به اصطلاح اصلاح طلب محمد خاتمی (۱۹۹۷-۲۰۰۵)، نیز به فهم بینش ملایان از الگوی نمونه زن کمک می‌کند.

در این مصاحبه ابتدا زهرا شجاعی توضیح می‌دهد که مردان موظف هستند نیازهای همسران و دختران خود را فراهم کنند و زنان نیازمند کار کردن نیستند. اما اگر آنها مایل به کار کردن برای داشتن درآمد جهت برآوردن نیازهای خود هستند و یا اگر برای کمک خرجی همسرانشان نیازمند کار کردن هستند همانطور که امروز به دلیل شرایط اقتصادی چنین وضعیتی در ایران هست، آنها اجازه دارند کار کنند. وی سپس ادامه می‌دهد: «الان بسیاری از کارهای خانگی با کامپیوتر انجام می‌گیرد... طوری که زن هم در خدمت خانواده باشد و هم احساس پوچی و بطلت نداشته باشد.»^{۸۵}

جالب تر از همه راه حل پیشنهادی شجاعی برای ارتقاء رتبه خجالت آور رژیم^{۸۶} در رابطه با مشارکت اقتصادی زنان و دستیابی به اشتغال است. او می‌گوید:

«اشکالی که در سیستم محاسبه نرخ اشتغال در کشور ما وجود دارد این است که خانه‌داری را شغل محسوب نمی‌کنیم... اگر ما این را عملیاتی کنیم که خانه‌داری شغل محسوب شود، اولین اثر آن این خواهد بود که آمار اشتغال زنان در جامعه بالا می‌رود و دیگر در مجامع بین‌المللی این چالشی که شما ذکر کردید را نخواهیم داشت، دوم این که در تولید ناخالص ملی هم اثر می‌گذارد؛ یعنی اگر ارزش افزوده کار خانگی زنان لحاظ شود، رتبه ما از جهت تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا می‌کند...»

شجاعی معتقد است: «مشارکت اجتماعی زن مساوی است با اشتغال و سایر فعالیت‌های اجتماعی مثل کارهای خیریه، تعاونی، فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های مشاوره‌ای و...» وی سپس به نحو جالبی رویکرد دولت را فاش می‌کند: «وقتی در دولت می‌گوییم که می‌خواهیم از سرمایه انسانی زنان در جهت رشد و توسعه اجتماعی جامعه استفاده کنیم، لزوماً به این معنی نیست که می‌خواهیم زنان شاغل شوند... ما می‌توانیم بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را به عهده زنان جامعه بگذاریم و از کمکی که زنان ما در قالب غیراشتغال مثلاً از طریق مراکز محلی، انجمن‌های محلی، جلسات خانگی، فرهنگ‌سراها، کانون‌های مساجد و... انجام می‌دهند، استفاده کنیم.»

^{۸۳}سایت جام جم آنلاین، ۱۱ آوریل ۲۰۱۵ (۲۲ فروردین ۱۳۹۴): ایران، عضو نهاد زنان سازمان ملل شد

^{۸۴}سایت حکومتی شبکه زنان ایران، ۲۹ اوت ۲۰۱۵ (۷ شهریور ۱۳۹۴)

^{۸۵}همان منبع: «تأمین مخارج زندگی زن، برعهده همسر او گذاشته شده است؛ مادامی که زن ازدواج نکرده و در خانه پدرش است هم تأمین مخارج زندگی او بر عهده پدرش است. به همین دلیل است که در چارچوب مسایل اقتصادی، دیه و یا ارث زن نصف می‌شود... در شرایط فعلی در جامعه امروزی ما به دلیل شرایط اقتصادی موجود، اشتغال زنان به‌طور نسبی تبدیل به یک ضرورت شده است.»

^{۸۶}سایت حکومتی روزان نیوز، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۰ تیر ۱۳۹۴): «گزارش مجمع جهانی اقتصاد براساس چهار شاخص عمده تهیه می‌شود. رتبه ایران تقریباً در هر چهار شاخص از سال ۲۰۰۷ میلادی به این طرف بدتر شده است. شاخص مشارکت و فرصت‌های اقتصادی بر اساس دستمزد، سطح مشارکت و دستیابی به اشتغال با مهارت‌های بالا برای ایران در سال ۲۰۱۴ رتبه ۱۳۹ بود. این یعنی مشارکت اقتصادی زنان در ایران چیزی در حد صفر بوده است. یکی دیگر از شاخص‌ها که وضع ایران در آن بسیار وخیم بود فرصت‌هایی است که برای حضور زنان ایرانی در سیاست و تصمیم‌گیری به آنها داده شده. فرصت‌هایی در حد صفر که رتبه ۱۳۵ را بین ۱۴۲ کشور به ایران اختصاص داده است.»

نظرگاه شجاعی نماینده «پیشروترین» و «بیشترین طرفداری از زنان» در میان جناحهای رژیم ایران است. اما هنوز می شود دید که او فراتر از محدوده خانه نمیرود و پیشنهاد می کند جلساتی که یک زن نیاز دارد در آنها شرکت کند در داخل خانه یا در مسجد محل شان برگزار شود. اما او نمیگوید که زنان چگونه میتوانند از خانه های خود و مساجد محلی شان در تصمیم گیری های اجتماعی و سیاست گذاری شرکت کنند.

واضح است که هدف آنها ایجاد اشتغال برای زنانی که درآمدی ندارند و سرپرست خانوار هستند، یا در خیابان می خوابند و قربانی فحشا و قاچاق انسان^{۸۷} می شوند نیست. بلکه می خواهند آبروریزی بین المللی را از خود دور کنند و در عین حال از یک تریبون جهانی برای پیشبرد اهداف توسعه طلبانه خود سوءاستفاده کنند.

از سوی دیگر، برخی نمایندگان سخت سر معتقدند که «صحبت از اشتغال زنان جوان یک موضوع انحرافی است.»

زهره طیب زاده عضو کمیسیون اجتماعی مجلس می گوید: «ما حدود و ضوابط در اسلام داریم که در آن تکالیف و وظایفی برای زنان و مردان مشخص شده است و با توجه به اینکه عامل اصلی اداره کننده اقتصاد خانواده، مردان هستند و در شرایط رکود اقتصادی و تورم بالا مردان مسئولیت مدیریت اقتصادی خانواده را دارند بنابراین اولویت ورود به مشاغل با مردان است. در چنین شرایطی فریاد نبودن کار و عدم اشتغال برای دختران در جامعه یک بحث کاملاً انحرافی است.»^{۸۸}

مینو اصلانی رئیس سازمان بسیج جامعه زنان، از افزایش فعالیت «فمینیست ها» ابراز نگرانی کرد و آن را «هجمه های دشمنان در موضوع زنان و خانواده» توصیف کرد. وی گفت: «متأسفانه طی دو سال قبل، تحرکات فمینیست ها در کشور بیشتر شده است تا جایی که متولیان امر در سفر اخیر خود به نیویورک تعهدات زیادی در حوزه زنان به سازمان ملل داده اند که این تعهدات در مسایلی همچون تساوی زن و مرد یا اشتغال بیشتر زنان و ... می باشد که هدف آن تضعیف بنیان خانواده است.»^{۸۹}

فاطمه راعی، دبیر کل جمعیت زنان مسلمان نواندیش در یک مصاحبه گفت «با اینکه تعدادی از نمایندگان مجلس زن هستند، اما متأسفانه در جهت احقاق حقوق زنان بسیارضعیف عمل کرده و اقدام مثبت و قابل قبولی انجام نداده اند.»^{۹۰}

آخوند ناطق نوری، رئیس سابق مجلس و عضو مجلس خبرگان، همچنین گفت: «در همین مجلس کنونی طرح و یا نظرات ضدبانوان از سوی زنان نماینده مطرح می شود.»^{۹۱}

در رابطه با انتصاب زنان در سطوح بالا مثل استانداران یا وزرای زن، شهیندخت ملاوردی میگوید: «همواره مسئولان مرد در زمینه سپردن مسئولیت های کلان به زنان ریسک نمی کنند و بحرانی و فوق العاده بودن شرایط را علت انتخاب نکردن آنان مطرح می کنند.»^{۹۲}

^{۸۷} گزارش کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت درباره قاچاق انسان تحت حاکمیت ملایان در ایران

<http://www.women.ncr-iran.org/images/publications/documents/Human-trafficking.pdf>

گزارش وزارت خارجه آمریکا درباره قاچاق انسان در سال ۲۰۱۵

www.state.gov/documents/organization/245365.pdf

^{۸۸} خبرگزاری حکومتی فارس، ۸ اوت ۲۰۱۵ (۱۷ مرداد ۱۳۹۴)

^{۸۹} خبرگزاری حکومتی فارس، ۳۰ اوت ۲۰۱۵ (۸ شهریور ۱۳۹۴)

^{۹۰} خبرگزاری حکومتی ایسکانیوز، ۱۳ اوت ۲۰۱۵ (۲۲ مرداد ۱۳۹۴)

^{۹۱} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۲ اوت ۲۰۱۵ (۲۱ مرداد ۱۳۹۴)

^{۹۲} همان منبع

وی در جای دیگری اعتراف می کند که زنان به اندازه کافی مورد اعتماد نیستند که مسئولیت های حساس به آنها سپرده شود.^{۹۳}

و بالاخره این هم کلام رهبر عالی ملایان. خامنه ای در اظهاراتش گفت: «برخلاف برخی دیدگاه‌ها، اشتغال از مسائل اصلی مربوط به زنان نیست.»^{۹۴}

در مورد تحصیلات دانشگاهی وی گفت: «اگر در این مسئله تفاوتی هم باشد ضد عدالت نیست چراکه نباید رشته‌های تحصیلی و مشاغل که متناسب با طبیعت زنان نیست به آنان تحمیل شود.»^{۹۵}

وی ضمن نقد کنوانسیون‌های بین المللی حقوق زنان، علیه پیوستن به آنها هشدار داد: «اصرار غربی‌ها روی این زیربنای غلط، جامعه بشری را تباہ می‌کند. به‌همین دلیل برای دستیابی به نگاه صحیح و متوازن، باید از این مبانی بر حذر بود.»^{۹۶}

۷. زنان مایه تهدید امنیت ملی:

علیرغم محدودیتهای متعدد و تحمیل سهمیه بندی جنسیتی برای پذیرش زنان جوان به طور عام و پذیرش آنها در برخی رشته های خاص^{۹۷}، زنان جوان اکثریت ورودیهای دانشگاه^{۹۸} و فارغ التحصیلان^{۹۹} در ایران را تشکیل می دهند.

بنابراین تعداد زیاد ورود زنان به دانشگاهها آنطور که رژیم دوست دارد ادعا کند دستاورد آنها نیست بلکه حاصل نفی محدودیتهای اجتماعی متعدد تحمیل شده به آنها و مظهر مقاومت منفی آنها در برابر رژیمی است طی ۳۷ سال گذشته سعی در سرکوب آنها داشته است.

در نتیجه این مقاومت منفی اما شجاعانه، رژیم ملایان در دوران حکومتش موفق نشده است کد پوشش اجباری و چادر سیاه اجباری را به طور کامل به زنان تحمیل کند و بدحجابی و حجاب نامناسب زنان را «یک تهدید امنیت ملی» تلقی می کند.

همین اخیراً امام جمعه موقت تهران، آخوند احمد خاتمی در حالی که به مردان به خاطر بی غیرتی بر سر بدحجابی اخطار شدید میداد، گفت: «شما باید بدانید که هدف اصلی دشمن زدن ضربه به دولت اسلامی از طریق رواج فرهنگ بی حجابی در جامعه است.»^{۱۰۰}

^{۹۳} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۷ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۶ شهریور ۱۳۹۴): «شهیندخت مولاوردی معاون رئیس جمهور در حوزه زنان با حضور در مراسم افتتاحیه گردهمایی مشاوران امور زنان وزارت آموزش و پرورش، ... ضمن تاکید بر ضرورت ایجاد اعتماد به زنان و شایستگی‌های آنها گفت: وزارت آموزش و پرورش و رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما می‌توانند در این عرصه فعال باشند و کمک رسان ما در شکل گیری فرهنگ و اعتماد درست به شایستگی‌های درست در جامعه باشند.»

^{۹۴} خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۲ اوت ۲۰۱۵ (۲۱ مرداد ۱۳۹۴)

^{۹۵} همان منبع

^{۹۶} همان منبع

^{۹۷} سایت رسمی معاونت امور زنان و خانواده، ۷ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۶ شهریور ۱۳۹۴): «ابوالحسن فیروزآبادی، قائم‌مقام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: میزان مشارکت زنان در بخش دولتی ۲۲ درصد و در بخش خصوصی ۱۴ درصد است... بیش از ۵۷ درصد قبول‌شدگان دانشگاه‌ها زنان هستند.»

^{۹۸} خبرگزاری حکومتی فارس، ۲۴ اوت ۲۰۱۵ (۲ شهریور ۱۳۹۴): «پژوهشگر اعظم راود راد: «۶۰ درصد ورودی دانشگاه‌ها را زنان به خود اختصاص می‌دهند اما بسیاری از آنها بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه خانه‌دار می‌مانند.»

^{۹۹} گزارش گزارشگر ویژه ملل متحد، احمد شهید، ۲۷ اوت ۲۰۱۴: «به دنبال اجرای طرح تفکیک جنسیتی در سال ۲۰۱۲، درصد دانشجویان دختر که وارد دانشگاه می‌شوند از ۶۲ درصد در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ به تنها ۴۸٫۲ درصد در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کاهش یافته است. این سیاستها منجر به پذیرش تعداد بیشتری مرد به نسبت زنان در برخی از رشته های درسی بین سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ گردید.»

^{۱۰۰} سایت حکومتی دیگران، ۲۲ اوت ۲۰۱۵ (۳۱ مرداد ۱۳۹۴)

مهران ولی پور، رئیس دادگستری شهر چالوس در شمال ایران، گفت: «امروز یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی ما بدحجابی خانمها است.» او گفت: «بدحجابی ریشه بسیاری جرائم است و بنابراین، قضائیه با هر گونه بدحجابی برخورد خواهد کرد.»^{۱۰۱}

«بدحجابی زنان دهن کجی به نظام است.»^{۱۰۲}

«حجاب زنان یک اصل ضروری است که باید رعایت و حفاظت شود... متأسفانه برخی زنان حجاب را در جامعه به سخره میگیرند و یا رویکردشان به آن سیاسی است. به این دلیل است که آنها باید طبق قانون به شدیدترین وجه مجازات شوند.»^{۱۰۳}

به درستی، سرکوب و حذف زنان همچین خشونت و تبعیض علیه زنان «اصل اساسی» را در بینش و عملکرد رژیم آخوندی از بدو تأسیس آن تشکیل می دهد. از طریق سرکوب گسترده زنان تحت پوش به اصطلاح اسلام بود که رژیم شروع به سرکوب تمامی جامعه ایران کرد که خود را به تازگی از دیکتاتوری شاه رها کرده بودند. و در تمامی سالهای حکومت ملایان همین طور بوده است و به همین علت است که ما همواره شاهد نوعی بسیج برای سرکوب زنان هستیم که یک نیمه ذاتاً نافرمان جمعیت کشور را تشکیل میدهند.

۸. نتیجه گیری:

مقامات رژیم ایران به شدت نگران^{۱۰۴} چالشهایی هستند که در اجلاس جهانی رهبران بر سر برابری جنسیتی و قدرتمندسازی زنان با آن مواجه خواهند شد چرا که این اجلاس به طور ذاتی و به طور کامل مغایر با دیدگاههای رسمی فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران است.

همانطور که پیش تر در این رساله به آن اشاره کردیم، رژیم ایران در پی سوءاستفاده از مشروعیت و اعتبار ملل متحد برای پیشبرد اهداف توسعه طلبانه و زن ستیزانه خویش و ارائه الگوی بنیادگرایانه خود برای زنان مسلمان جهان از این تریبون بین المللی است.

ما دیدیم که حقوق زنان، به عنوان بخشی از حقوق بنیادین انسانی مردم ایران، همیشه توسط رژیم غیرمردمی و سرکوبگر ملایان نقض شده است و این عملکرد در طی دو سال اخیر اگر بدتر نشده باشد، بهتر نشده است، همچنانکه در اعدام بی سابقه ۵۷ زن در دوران روحانی بارز شده است.^{۱۰۵}

^{۱۰۱} خبرگزاری حکومتی فارس، ۲۳ اوت ۲۰۱۵ (اول شهریور ۱۳۹۴)

^{۱۰۲} خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۴ اوت ۲۰۱۵ (۲۳ مرداد ۱۳۹۴)

^{۱۰۳} خبرگزاری حکومتی فارس، ۲۳ اوت ۲۰۱۵ (اول شهریور ۱۳۹۴)

^{۱۰۴} خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۹ اوت ۲۰۱۳ (۷ شهریور ۱۳۹۴): «نشست رهبران جهان درباره برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان / دولت ایران با چه چالشهایی مواجه خواهد بود؟ - البته نحوه مواجهه دولتها با تعهدات مزبور که فراتر از چارچوب معاهدهای مطرح قرار دارند، از جمله مباحث مهم خواهد بود، و اکنون این پرسش مطرح است که با توجه به برخی بندهای چالشبرانگیز در الگوی جدید توسعه ملل متحد مانند «تضمین دسترسی جهانی به سلامت جنسی و باروری و حقوق باروری، مطابق برنامه عمل کنفرانس بینالمللی جمعیت و توسعه و برنامه عمل یکن و اسناد بعدی» و یا «اصلاح قوانین و مقررات داخلی برای اعطای حقوق برابر به زنان و مردان در همه امور» از یکسو و نیز عدم عضویت یا عضویت مشروط برخی دولت‌های اسلامی در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، چه انتظاری باید از دولت‌های مزبور داشته باشیم؟ و این که به طور خاص دولت جمهوری اسلامی ایران چه موضعی اتخاذ خواهد کرد و چه برنامه‌ای برای نشست رهبران جهان در مورد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان تدوین کرده است؟»

^{۱۰۵} کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، زنان ایرانی در دوران روحانی، سپتامبر ۲۰۱۵

به لحاظ مشارکت اقتصادی زنان و دسترسی به تصمیم گیری و سیاستگذاری، ایران دارای یکی از پایین ترین رتبه ها می باشد.^{۱۰۶} تعداد کم مشارکتی که بر طبق گزارشات برای زنان ایجاد شده است با اخراج آنها از مشاغلشان خنثی شده است. هیچ قانونی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان وجود ندارد و خشونت علیه زنان ایران در قوانین و در سرکوبهای سیستماتیک زنان توسط نیروهای امنیتی نهادینه شده است.

محدودیت‌های گسترده بر حقوق و آزادیهای زنان منجر به ارقام دهشتناک قربانیان آسیب‌های اجتماعی، مثل زنان بی خانمان، دختران فراری، زنان معتاد، قربانیان قاچاق انسان، نرخ صعودی ازدواجهای زیر سن قانونی و طلاق و البته خودکشی زنان شده است.

هیچیک از اهداف رژیم ایران و یا بینش آن در رابطه با عدالت (انصاف) برای زنان (به جای برابری)^{۱۰۷} در کادر اهداف ملل متحد برای برابری جنسیتی و قدرتمند سازی زنان نمی گنجد. اگر با این رژیم برخورد نشود، میتواند از این ارگان جهانی برای تشدید هرچه بیشتر سرکوب زنان سوءاستفاده کند.

حداقل این است که از رژیم ایران خواسته شود کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (سیدا)، پلاتفرم عمل پکن و کنوانسیون شورای اروپا برای جلوگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی را امضا کند، قوانین زن ستیزانه خود را تصحیح و با حقوق بشر جهانی و استانداردهای بین المللی تعدیل کند.

زنان شریف، شجاع، با استعداد و توانمند ایران خواسته خود برای یک زندگی آزاد، مستقل و انسانی را در همه اشکال مخالفت با رژیم که هرگز طی سالیان متوقف نشده، نشان داده اند، از زنانی که مقاومت کرده و زیر شکنجه جان باخته اند، تا زنان و دختران جوانی که در خط مقدم اعتراضات در سراسر کشور هستند، تا زنان شجاعی که امروز در زندانها رنج می کشند، تا زنان پیشتاز مجاهدین که جنبش اپوزیسیون را در اشرف و کمپ لیبرتی و در ایران و سراسر جهان هدایت می کنند.

خواسته های آنها در برنامه ده ماده ای خانم مریم رجوی، رئیس جمهور منتخب مقاومت ایران در رابطه با حقوق زنان در ایران فردا خلاصه شده و طنین انداز است:

۱. آزادی‌ها و حقوق اساسی

- زنان باید بطور برابر حق برخورداری و حفظ همه حقوق بشر و آزادیهای اساسی را داشته باشند.

- زنان از هر قومیت، مذهب و طبقه اجتماعی، در هر سنی که هستند و در هر کجا سکونت دارند - شهر یا روستا - باید از حقوق برابر با مردان در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی برخوردار باشند. تبعیض^{۱۰۸} نسبت به زنان در تمام اشکال آن باید محو شود.^{۱۰۹}

^{۱۰۶} سایت حکومتی روزان نیوز، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۰ تیر ۱۳۹۴): «گزارش مجمع جهانی اقتصاد براساس چهار شاخص عمده تهیه می‌شود. رتبه ایران تقریباً در هر چهار شاخص از سال ۲۰۰۷ میلادی به این طرف بدتر شده است... شاخص مشارکت و فرصت‌های اقتصادی بر اساس دستمزد، سطح مشارکت و دستیابی به اشتغال با مهارت‌های بالا برای ایران در سال ۲۰۱۴ رتبه ۱۳۹ بود. این یعنی مشارکت اقتصادی زنان در ایران چیزی در حد صفر بوده است. یکی دیگر از شاخص‌ها که وضع ایران در آن بسیار وخیم بود فرصت‌هایی است که برای حضور زنان ایرانی در سیاست و تصمیم‌گیری به آنها داده شده. فرصت‌هایی در حد صفر که رتبه ۱۳۵ را بین ۱۴۲ کشور به ایران اختصاص داده است.»

^{۱۰۷} خبرگزاری حکومتی ایستا، ۸ سپتامبر ۲۰۱۵ (۱۷ شهریور ۱۳۹۴): فاطمه رهبر رئیس فراکسیون زنان در پارلمان ملایان گفت: «قوانین برابری جنسیتی حاکم در جامعه غربی نمی‌تواند به حفظ شأن زن و خانواده کمک کند و بر اساس تعالیم اسلام و قرآن عدالت جنسیتی برتر از برابری جنسیتی است... تصویب دستورالعمل‌های واحد برای زنان در سازمان‌های بین‌المللی برای تمام کشورها با فرهنگ‌های مختلف نمی‌تواند به رشد جایگاه زنان در جهان کمک کند.»

^{۱۰۸} «کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان»، ماده اول: «عبارت تبعیض علیه زنان، به معنی هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت قائل شدن بر اساس جنسیت است که نتیجه یا به منظور خدشه دار کردن یا بی اثر نمودن رسمیت، شناسائی یا بهره‌مندی از اعمالی است که بوسیله زنان انجام می‌گیرد. صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها و بر مبنای برابری حقوق انسانی مردان و زنان و آزادیهای اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر.»

^{۱۰۹} قانون اساسی ولایت فقیه تساوی زنان و مردان را با قید «رعایت موازین اسلامی» مشروط کرده است.

- زنان در انتخاب محل سکونت، نوع شغل و تحصیل آزادند و از حق انتخاب آزادانه همسر، حق انتخاب پوشش، حق مسافرت آزادانه، حق خروج از کشور، حق کسب تابعیت، حق تفویض تابعیت به فرزند، حق طلاق، حق حضانت و حق ولایت بر فرزند برخوردارند.^{۱۱۰}

- اعتقاد به دین و مذهب و عقیده معینی نباید موجب تحقیر هیچ زنی یا منع آنها از دسترسی به فرصت‌های شغلی، امکانات آموزشی یا دادخواهی شود.

۲. برابری در مقابل قانون

- زنان باید به طور برابر با مردان از حمایت قانون برخوردار باشند.

- در مقابل خشونت، تجاوز، تبعیض و نقض آزادی، زنان باید به راه‌کارهای قضایی مطمئن دسترسی داشته باشند.

- زنان باید از حق برابر با مردان در دادخواهی برخوردار باشند.

- دادگاهها باید اعتبار شهادت و سوگند زنان با مردان را برابر محسوب کنند.^{۱۱۱}

- سن قانونی برای دختران ۱۸ سال تمام خواهد بود. دختران تا قبل از این سن مسئولیت جزایی ندارند.

۳. آزادی انتخاب پوشش

- زنان در انتخاب پوشش خود آزادند.

- قانون حجاب اجباری لغو می‌شود.^{۱۱۲}

- مقرراتی که رعایت نکردن حجاب را مستوجب مجازات‌های اداری برای کارگران یا کارمندان زن دانسته، لغو می‌شود.^{۱۱۳}

- قوانین نوشته یا نانوشته کنترل پوشاک و رفتار زنان تحت عنوان «بدحجابی» که حق آزادی و امنیت زن ایرانی را نقض کرده، در ایران فردا جایی ندارد.

۴. مشارکت برابر در رهبری سیاسی

طبق اصل ۲۰ «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

و طبق اصل ۲۱: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.»

از آنجا که ملایان حاکم از یک برداشت ارتجاعی از اسلام پیروی می‌کنند که در واقع دین زن ستیزی است، دیدگاهها و قوانین آنها بر پایه تبعیض و سرکوب زنان است.

^{۱۱۰} قانون مدنی در رژیم ملایان، به صراحت، حقوق زنان را در این موارد انکار کرده است. از جمله:

ماده ۱۱۱۷: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند».

ماده ۱۱۳۳: «مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد».

ماده ۱۱۱۴: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، سکنی گزیند. مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

^{۱۱۱} برطبق قوانین ملایان، در برابر محاکم قضایی ارزش شهادت زن، نصف مرد است.

^{۱۱۲} ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۹۹۶): «هرکس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمیباشد ولی عفت عمومی را جریحه دار مینماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

تبصره: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

^{۱۱۳} در قانون «رسیدگی به تخلفات اداری»، ماده ۸، بند ۲۰ (مصوب ۱۹۹۳) رعایت نکردن حجاب از سوی زنان در زمره «تخلفات اداری» محسوب شده است. این تخلف مجازاتهایی مانند توبیخ کتبی و در مواردی اخراج را در پی دارد.

- زنان باید از «حق شرکت در تعیین سیاستهای حکومت و اجرای آنها و به عهده داشتن پستهای دولتی و انجام وظائف عمومی در تمام سطوح حکومتی»^{۱۱۴} برخوردار باشند.

- به طور خاص زنان باید حق مشارکت برابر در رهبری سیاسی جامعه را داشته باشند.^{۱۱۵}

- من پیشنهاد خواهم کرد در راستای رفع نابرابری، دولت نیمی از اعضای کابینه خود را از میان زنان انتخاب کند. من همچنین پیشنهاد میکنم احزاب سیاسی حداقل نیمی از کاندیداهای خود برای شرکت در انتخابات پارلمان را از زنان انتخاب کنند.

- هر قانونی که منع و محدودیتی برای تصدی زنان در پستهای مدیریتی و مشاغل عالی رتبه قضایی و حقوقی قائل باشد، فسخ می شود.

۵. برابری اقتصادی

- زنان باید دارای حقوق مساوی با مردان در برخورداری از سهم الارث همچنین در انعقاد قراردادها و اداره اموال باشند.^{۱۱۶}

- در بازار کار، زنان باید از فرصتهای برابر با مردان برخوردار باشند.^{۱۱۷}

- در ازاء کار مساوی، زنان باید از دستمزد و مزایای مساوی با مردان برخوردار باشند. همچنین از امنیت شغلی و تمام مزایا.

- در دسترسی به مسکن، تغذیه مناسب، خدمات بهداشتی، تحصیل و فعالیت ورزشی و هنری زنان باید از فرصتهای مساوی با مردان برخوردار باشند.

۶. برابری در خانواده

- زنان باید حق آزادانه و یکسان برای انتخاب همسر، ازدواج و طلاق داشته باشند.

- چند همسری ممنوع است.

- ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی ممنوع است. در زندگی خانوادگی هرگونه اجبار و تحمیل به زن ممنوع است.^{۱۱۸}

- مسئولیت های خانوادگی همچون خانه داری و نگهداری از کودکان، فعالیت شغلی و آموزش کودکان مسئولیت مشترک و برابر زن و مرد است.

- زنان باید از حق حضانت فرزندان خود برخوردار باشند.^{۱۱۹}

^{۱۱۴} کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

^{۱۱۵} طبق قوانین رژیم زنان نمی توانند رئیس جمهور یا قاضی شوند.

- قانون اساسی ملایان در اصل ۱۱۵ خود تصدی ریاست جمهوری را تنها حق «رجال مذهبی و سیاسی» دانسته است.

- اصل ۱۶۳ قانون اساسی شرایط قاضی شدن را به «موازین فقهی ملایان» منوط کرده است: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می شود».

در «قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری» (مصوب آوریل ۱۹۸۲) آمده است: «قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می شود: ۱- ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران ۲-.....»

در سال ۱۹۸۵ با اصلاحاتی در قانون فوق، زنان توانستند در پستهای مشاورت و قضایی تحقیق در مراجع قضایی حضور یابند. اما از حق انشاء رأی محروم اند.

^{۱۱۶} توارث در حقوق ایران تحت حاکمیت ملایان بر این مبناست که سهم الارث زنان نصف سهم الارث مردان است. این نسبت در تمام مواد قانون مدنی ناظر بر ارث حاکم است.

^{۱۱۷} در بازار کار ایران سهم زنان فقط ۱۲ درصد است.

^{۱۱۸} در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی رژیم «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری» ذکر شده. این تبصره با توجه به ماده ۱۰۴۱ همین قانون که

«نکاح قبل از بلوغ» را ممنوع کرده است، تحمیل ازدواج به دخترچپه های کمتر از ۹ ساله را مجاز می کند.

^{۱۱۹} به موجب ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، وقتی زن و شوهر از یکدیگر جدا می شوند، «برای نگهداری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این

مدت، حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آن با مادر خواهد بود».

- از به کارگماردن دختر بچه‌ها قبل از رسیدن به سن قانونی ممانعت خواهد شد و برای آنان امتیازات ویژه در زمینه آموزشی در نظر گرفته خواهد شد.

- تفتیش و دخالت حکومت در زندگی خصوصی زنان ممنوع است.

۷. منع خشونت

- اشکال مختلف خشونت^{۱۲۰} نسبت به زنان، اقدامهای تهدید آمیز یا محروم کردن اجباری آنان از آزادیهایشان جرم محسوب می‌شود.

۸. منع بهره‌کشی جنسی

- تجارت جنسی ممنوع است.

- قاچاق زنان و واداشتن آنان به تن فروشی جنایت است و عوامل آن تحت تعقیب قرار می‌گیرند.^{۱۲۱}

- کسانی که مرتکب جرایم جنسی نسبت به کودکان شوند باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

- منع هرگونه بهره‌کشی جنسی از زن تحت هر عنوان و الغای کلیه رسوم و قوانین و مقرراتی که بر طبق آن پدر و مادر، ولی، قیم یا دیگری دختر یا زنی را، به عنوان ازدواج یا هر عنوان دیگر، برای تمتع جنسی یا بهره‌کشی به دیگران واگذار می‌کنند.^{۱۲۲}

۹. لغو قوانین شریعت آخوندی

- احکام شریعت آخوندی در قوانین ایران فردا جایی نخواهد داشت.

- « لغو کلیه مقررات کیفری داخلی که باعث بوجود آمدن تبعیض علیه زنان میباشند»^{۱۲۳} مورد تأکید قرار می‌گیرد.

- قوانین ننگین و موحشی نظیر سنگسار برخواهد افتاد.^{۱۲۴}

«^{۱۲۰} تعبير خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد، باشد:

(أ) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می‌افتد، از جمله کتک زدن، آزار جنسی دختر بچه‌ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه، تجاوز توسط شوهر، ختنه زنان و دیگر رسوم عملی که به زنان آسیب می‌رساند، خشونت در رابطه بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان،

(ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی که در جامعه عمومی اتفاق می‌افتد، از جمله تجاوز، سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاچاق زنان و تن فروشی اجباری،

(پ) خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود» (ماده ۲، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان)

^{۱۲۱} بخشی از گزارش سال ۲۰۰۹ وزارت امور خارجه ایالات متحده درباره قاچاق انسان (TIP)، 2 جولای ۲۰۰۹: «ایران مبداء، مسیر عبور، و مقصد قاچاق مردان، زنان و کودکان با اهداف سوء استفاده جنسی و بردگی اجباری است. زنان ایرانی برای گماشته شدن به تن‌فروشی اجباری و ازدواج تحمیلی در داخل کشور قاچاق می‌شوند. کودکان ایرانی و افغانی ساکن ایران برای ازدواج اجباری، بهره برداری جنسی تجاری و کار اجباری به عنوان متکدی یا کارگر - برای پرداخت بدهی، تأمین درآمد یا تأمین هزینه اعتیاد خانواده‌ها - در داخل کشور قاچاق می‌شوند. زنان و دختران ایرانی هم‌چنین به منظور بهره برداری جنسی تجاری به کشورهای پاکستان، ترکیه، قطر، کویت، امارات متحد عربی، عراق، فرانسه، آلمان و بریتانیا قاچاق می‌شوند.

... صیغه، یا ازدواج موقت به مدت معلوم، طبق قانون مجاز است. برخی از افراد با سوء استفاده از این نهاد، زنان را اجباراً مورد بهره برداری جنسی قرار می‌دهند. گفته می‌شود که زنان ایرانی برای ازدواج موقت به مردان در پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس فروخته شده و وادار به تن فروشی می‌شوند. دسترسی به عدالت برای زنانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، بسیار دشوار است. اول، چون شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است و دوم، چون زنان قربانی سوء استفاده جنسی در معرض خطر اعدام به جرم زنا - روابط جنسی خارج چهارچوب ازدواج - قرار دارند ...

گفته می‌شود که دولت، قربانیان را بخاطر اعمال نامشروعی که در نتیجه مستقیم قاچاق شدن مرتکب می‌شوند، از جمله زنا و فحشا، مورد مجازات قرار می‌دهد. بنا بر گزارشهای رسیده، دولت قربانیان متعددی را به اتهام فحشا یا زنا دستگیر، محاکمه و مجازات کرده است».

^{۱۲۲} طرح شورای ملی مقاومت درباره آزادیها و حقوق زنان، مصوب ۱۷ آوریل ۱۹۸۷

^{۱۲۳} کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

^{۱۲۴} مواد ۱۰۲ تا ۱۰۵ قانون جزایی کنونی ملایان (قانون مجازات اسلامی) درباره سنگسار:

ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن میکنند، آنگاه رجم می‌نمایند.

- کلیه قوانینی که جنایت علیه زنان را به بهانه‌های ناموسی مجاز شناخته، لغو می‌شود.^{۱۲۵}

۱۰. تسهیلات اجتماعی

- زنان باید از تأمین اجتماعی بویژه در موارد بازنشستگی، بیکاری، بیماری، دوران پیری و سایر اشکال کارافتادگی و همچنین حق مرخصی استحقاقی در زمان بارداری و زایمان و حق برخورداری از تغذیه و خدمات رایگان در این دوران برخوردار باشند.
- دولت برای تأمین مهد کودک و شیرخوارگاه مورد نیاز برای نگهداری فرزندان زنان شاغل برنامه‌ریزی کند و همه زنان شاغل به مهد کودک و شیرخوارگاه برای نگهداری فرزندان‌شان دسترسی داشته باشند.
- زنان متعلق به گروههای اقلیت، پناهنده و مهاجر، زنان ساکن مناطق روستایی یا دورافتاده، زنان بینوا، زنانی زندانی، دختر بچه‌ها، زنان معلول، ناتوان یا کهنسال باید از حمایت‌های مالی، آموزشی و بهداشتی ویژه دولت برخوردار شوند.
- محروم کردن زنان استخدام شده بر اساس قراردادهای موقت، از تأمین اجتماعی ممنوع است.
- اخراج زنان یا کاهش دستمزد آنان به خاطر بارداری یا زایمان یا سپردن مشاغل زیان‌آور به آنها در این دوران ممنوع است.
- حمایت از زنان سرپرست خانوار یک وظیفه ضروری برای دولت است.^{۱۲۶}

ماده ۱۰۳ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است، از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنا یا زانی او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد برگردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود.

ماده ۱۰۴ - بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد، شخص کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ی باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند.^{۱۲۵} موادی از قانون جزایی رژیم (قانون مجازات اسلامی):

ماده ۲۲۰ - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمیشود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲۶ - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.

^{۱۲۶} این اصطلاح به زانی اطلاق می‌شود که خود نان‌آور خانواده‌ی هستند که گاه مادر و پدری پیر و یا چند فرزند را در بر میگیرد. این زنان یا شوهر خود را از دست داده، یا طلاق گرفته‌اند یا دارای شوهری متواری، معتاد، زندانی، بیکار، مهاجر یا از کارافتاده‌اند. این خانوارها از فقیرترین اقشار مردم ایران‌اند.

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت را در آدرسهای زیر دنبال کنید:

www.women.ncr-iran.org

Twitter / @ womenncri

Facebook / NCRI Women's Committee